

# پیشگفتار

# نامه به عبرانیان

مجدداً متن را خوانده و دقیقاً بررسی نمایند،  
شیوه نگارش جذاب نامه بر دشواریهای آنان  
می افزاید.

و انگهی حتی منشأ و منبع این اثر، مسایل  
بیچیده ای ایجاد می کند و از همان قرون اولیه  
میلادی بحث ها و تردیدهایی به وجود آورده  
است و این بحث و مجادله ها در دوران  
پیدایش نهضت پروتستان از سر گرفته شده و  
تشدید گردیده است زیرا می پرسیدند: این  
نامه از چه کسی است؟ آیا می توان آن را به نام  
پولس رسول منسوب نمود یا خیر؟ به چه دلیل  
خیلی کم به نامه های طولانی پولس شباخت  
دارد؟ به چه کسی خطاب شده و در چه موقعیتی  
بوده است؟ آیا واقعاً یک نامه رسولی است؟  
پیش از آنکه مطالب ارزشمند این نوشته  
ذکر شده و سریعاً بررسی گردد لازم است بدواً  
این سؤال ها مورد توجه قرار گیرد.

**بحث درباره منشأ نامه به عبرانیان**  
در مدت چهار قرن اولیه میلادی، در  
وضعیت نامه به عبرانیان مرتباً تغییراتی حاصل  
شده بود و باید یادآوری شود که در این مورد  
موقعیت کلیساهاشی شرقی و کلیساهاشی غربی  
متفاوت بود.

در کلیساهاشی شرق همواره نامه به عبرانیان  
را به عنوان یکی از نامه های پولس پذیرفته

نامه به عبرانیان ممکن است خواننده امروزی را دچار شگفتی نماید زیرا کسی که این نامه را می خواند گاهی احساس تحسین و ستایش می کند و زمانی دچار حیرت می شود.  
در قسمت هایی از این نامه انبوهی نظریات مذهبی به اندازه ای است و چنان عمیقاً جنبه انسانی دارد که آدمی ناچار به تحسین می شود. نویسنده با عبارات و اصطلاحات بی نظیر، مقام والای مسیح را اعلام می کند و در عین حال اتحاد و همبستگی یسوع را با «برادرانش» بیان می نماید. آشنایی عمیقی که نویسنده از نوشته های عهد عتیق دارد. در هر سطر این نامه به چشم می خورد و پند و موعظه های او از محبت و علاقه اش به کلیسا سرچشمه می گیرند.

با این همه بعضی از جنبه های این نامه موجب حیرت است: مثلاً نویسنده قسمت زیادی از نامه را به ذکر مراسم مذهبی کهن و قربانیهای حیوانات تخصیص داده و از سوی دیگر با مهارت فکری، متن ها و وقایع را به روش رمز و اشاره تفسیر می کند تا تلقین نماید که بین حقایق زمینی و نمونه های آسمانی، بین وقایع تاریخی و ابدیت الهی روابطی وجود دارد. بسیاری از خوانندگان با خواندن این مطالب احساس می کنند سردرگم شده اند و اگر برای درک مطلب بخواهند

این همه آن را بدون اشکال نپذیرفته بودند و به سبب تردیدهایی که در انتساب نامه به پولس وجود داشت در پذیرفتن آن به عنوان یک نوشتۀ الهامی مردد بودند و چون بعضی از فرقه‌ها از مطالب این نامه استفاده می‌کردند مزید بر این سوژن می‌گردید؛ توضیح اینکه به فصل هفتم نامه استناد می‌کردن تا در مورد ملکی‌صدق برای اثبات نظریات خود بهره برداری‌های عجیبی نمایند ضمناً کسانی که در عقاید خود سخت‌گیر بودند به مفاد عبر ۶:۴-۶ و ۱۰:۲۶ استناد کرد و نمی‌پذیرفتند مسیحیانی که در دوران تعقیب و شکنجه‌ها از مسیحیت روگران شده‌اند بخشیده شوند. طرفداران عقاید آریوس به بند ۳:۲ این نامه استناد می‌نمودند تا ثابت کنند که «سخن» یک مخلوق است. بنا بر گواهی فیلاستر اهل برشیا (ر.ک مججموعه متون پدران لاتینی کلیسا‌گردآورده مینی: جلد ۱۲) به تمام این دلایل در پایان قرن چهارم میلادی نامه به عبرانیان را در کلیساها قرائت نمی‌کردند. از سوی دیگر جروم قدیس متوجه شده بود که رومیان این نامه را منسوب به پولس رسول نمی‌دانند (کتاب مردان مشهور رم: ۵۹) و انگهی خودش برای تعیین هویت نویسنده نامه چندان اهمیتی قایل نبود.

به نظر او سنت کلیساهای یونانی که همواره این نامه را جزو نوشتۀ‌های الهامی پذیرفته بودند تضمین قاطعی بشمار می‌رفت. نظر آگوستین قدیس نیز چنین بود (ر.ک کتاب پاداش گناهان و تعمید کودکان ۱: ۵۰). فهرست «نوشته‌های مقدس» که در پایان قرن چهارم میلادی تنظیم و مقرر گردید به این بحث‌ها و تردیدها پایان داد زیرا نامه

بودند ولی این نظریه و سنت قاطع مانع از آن نبود که مفسران قدیمی به تفاوت‌های این نامه با نامه‌های دیگر پولس توجه نکرده باشند.

برای توضیح و توجیه این تفاوت‌ها، کلمت اسکندرانی نامه به عبرانیان را به عنوان متنی ارائه می‌کند که پولس به زبان عبری نوشته است و سپس آن را به زبان یونانی برگردانده و تلفیق داده‌اند (ر.ک تاریخ مذهبی به قلم اوزبیوس جلد ۶: ۴-۱۲). وی تصور می‌کند که در این نامه روش نگارشِ لوقا را تشخیص داده است. اندکی بعد، اوریجن تفاوت نامه به عبرانیان را با سایر نامه‌های پولس بیشتر تشخیص داده و چنین توضیح می‌دهد: افکار و نظریاتی که در این نامه ذکر شده شایسته و در ردیف افکار پولس رسول است ولی روش است که انشاء نامه از او نیست؛ بلکه نامه به عبرانیان اثر یکی از شاگردان پولس است که آموزش‌های او را با امانت ولی به روش خود بیان کرده است. اما در اینکه این شاگرد چه کسی است؟ اوریجن اعتراف می‌کند که نمی‌داند (ر.ک همان کتاب جلد ۶: ۲۵-۱۱-۱۳). و با اینکه این نکته را نمی‌داند تغییری در عقیده خود نداده و کماکان این متن را جزو نوشتۀ‌های مقدس می‌شمارد مفسران دیگر کلیساهای شرقی، توجهی به جنبه ادبی نامه نداشتند و با توجه به سنت کلیساهای خود، پذیرفته بودند که این نامه اثر پولس رسول است.

وضع کلیساهای غربی فرق داشت. بدین معنی که گرچه از پایان قرن اول میلادی این نامه را می‌شناختند زیرا در نامه مشهوری که کلمت اسقف رم به کلیسای قرنتس نوشته بود ظاهراً از این نامه استفاده شده است. با

عهد جدید را ارائه می‌کند، موقعیت خود را در مورد نامه به عبرانیان چنین توصیف و تعیین می‌نماید: «این نامه اثر پولس نیست و اثر هیچ یک از رسولان هم نیست با این همه نویسنده‌گمنام نامه با مهارت بسیار از مفاد نوشته‌های مقدس استفاده کرده است». ولی به عقیده‌لوتر چند قسمت از این نامه دشواریهایی ایجاد می‌نمایند: مثلًاً نویسنده امکان گرایش کسانی را که پس از تعمید در گناه می‌افتدند نمی‌پذیرد (۶:۴-۶؛ ۱۰:۲؛ ۱۷:۱۲). آنگاه لوتر چنین نظر می‌دهد که نامه عبرانیان مجموعه قطعات مختلفی است که از منابع متعدد گردآورده‌اند.

کالون در مورد این نامه نظر مخالفی ابراز نمی‌کند و می‌گوید که مسلماً نامه به عبرانیان جزو نوشته‌های مقدس رسولان است و اظهار می‌کند که اگر در گذشته، اصالت نامه مورد تردید قرار گرفته است بر اثر عمل شیطان بوده است. با این همه آن را اثر پولس قدیس نمی‌شمارد.

بعداً مفسران پروتستان عقاید و نظریات مختلفی ابراز کردند و در قرن هفدهم میلادی مجددًا نظریه انتساب نامه به پولس تقریباً به اتفاق آراء پذیرفته شد، سپس نظریه مخالف قوت گرفت.

دانشمندان علوم الهی کاتولیک که بیشتر وابسته به گواهی احادیث بودند به دفاع از انتساب نامه به پولس پرداختند. با این همه لازم به یادآوری است که انجمن علمای مذهبی ترنت نپذیرفت در مورد صحت انتساب نامه به پولس صریحاً اظهار نظر نماید. و این نکته موجب گردید که بعضی از مفسران کاتولیک (مثلًاً استیوس) از این نظر پشتیبانی نمایند

به عبرانیان صریحاً جزو این فهرست منظور شده بود ولی چون در فهرست مذکور، این نامه جزو نامه‌های پولس در یکجا قرار گرفته بود، انتساب این نامه به پولس بیشتر مورد توجه قرار گرفته و تأیید می‌گردید. در قرون وسطی در «تفسیر معمولی کتاب مقدس» وضعیتی نزدیک به نظریه کلمنت اسکندرانی را پذیرفت: بدین معنی که نامه به عبرانیان اثر پولس رسول است که لوقا پس از مرگ رسول آن را با امانت به یونانی ترجمه کرده است.

### در دوران آغاز نهضت پروتستان

پس از پایان قرون وسطی و در آغاز رنسانس بحث و بررسی در این مورد از سر گرفته شد. انعکاسی از این مباحثه‌ها در تفسیری است که لوتر در سالهای ۱۵۱۸-۱۵۱۹ از نامه به عبرانیان کرده است، در همان سالی که اعلامیه ویتنبرگ را منتشر نمود. وی توضیح می‌دهد که این متن از پولس رسول است و حتی در آن نظریه اساسی پولس را تشخیص داده می‌نویسد: «این نامه پولس در مقابل افتخار به عدالت بشری که بر طبق قوانین یهود باشد از فرض الهی ستایش می‌کند.» ولی به عبارتی نظریه عبر ۳:۲ توجه را جلب می‌نماید که نویسنده نامه ذکر می‌کند انجیل را بوسیله شاگردان یسوع دریافت کرده است و «دلیل محکمی» است بر این که نامه از آن پولس نباشد زیرا پولس در نامه به غلطیان به طرز دیگری سخن می‌گوید. بر عکس لوتر در بند ۱۳:۱۹ دلیل دیگری می‌بیند که در تأیید انتساب نامه به پولس است زیرا از زندانی شدن خود یاد کرده است. چند سال بعد، هنگامی که لوتر ترجمة

«می‌گوید») نقل می‌کند. در این نامه همواره سخن از جلوس و تاجگزاری آسمانی مسیح است و فقط یک بار درباره برخاستن از میان مردگان (۳:۲۰) می‌باشد ولی در این مورد هم عبارات معمولی بکار برده نشده است. بالاخره نحوه ارائه مسیح به عنوان کاهن در این نامه منحصر به فرد است و در سایر نوشته‌های عهد جدید وجود ندارد. خلاصه نویسنده این نامه شخصیتی است که خیلی با پولس رسول تقواوت دارد.

بعضی از مفسران حتی فراتر رفته و اظهار کرده‌اند که محتوای این نامه با افکار و نظریات پولس ارتباطی ندارد که البته اظهاراتی مبالغه‌آمیز است زیرا می‌توان ملاحظه کرد در موارد متعدد و مهمی بین نامه به عبرانیان و نظریات مذهبی پولس بستگی وجود دارد: ۱- در این نامه مصائب و مصلوب شدن مسیح به صورت اطاعت داولطلبانه ارائه شده است، عبر ۸:۵ و ۹:۱۰ نظیر فی ۸:۲ و روم ۱۹:۵-۲- در این نامه بی‌تأثیر بودن قوانین کهن و الغاء آنها به شدت تأیید شده است. عبر ۷:۷ و ۱۱:۹ و ۱۰:۱۰-۷ که قابل مقایسه با غالباً ۲۱:۳ و ۲۵-۲۵-۲۵ یا روم ۴:۱۵؛ ۵:۵؛ ۲۰:۵ نیست و در هیچ‌کاری از نوشته‌های عهد جدید موضوع به این صراحة اعلام نشده است. ۳- متقابلاً در نامه‌های دیگر پولس (۱-قرن ۵:۷؛ روم ۳:۲۵ و مخصوصاً افس ۵:۲) با موضوع اصلی نامه به عبرانیان نکات مشابه وابستگی دارد. مقایسه غلا ۲۰:۲ و افس ۲:۵، ۲:۵ به خوبی نشان می‌دهد که چگونه جنبهٔ قربانی و کاهنی بازخاید تدریجیاً در محافل وابسته به پولس تشریح شده و توضیح داده شده است. ۴- بالاخره می‌توان ملاحظه کرد که در

که یکی از شاگردان پولس نویسنده این نامه شگفت‌انگیز و استثنایی است. در آغاز قرن بیستم، کمیسیون کتاب مقدس رُم پس از بحث و مذاکره، کاتولیک‌ها را منع می‌کرد از اینکه انتساب نامه را به پولس نفی کنند ولی می‌توانستند درباره انتساب انشاء نامه به کس دیگری سخن گویند. مفسّران جدیدتر کاتولیک موضوع انتساب نامه را به پولس به مفهوم وسیع تری درک می‌کنند: مثلاً یکی از برجسته‌ترین مفسران معتقد است که این نامه را آپولس پس از شهید شدن پولس تهیه و تنظیم کرده است (س. اسپیک، نامه به عبرانیان، جلد ۱، صفحه‌های ۲۶۰-۲۶۱).

### موضوع اصالت نامه

در حقیقت دلایل متعددی وجود دارد که مخالف با انتساب این نامه به پولس است. روش کلی نامه به عبرانیان با روحیه و اخلاقی پولس رسول تطبیق نمی‌کند. شیوه نگارش خیلی آرام و ملایم است، انشاء نامه خیلی منظم است و نویسنده کاملاً خود را به کنار کشیده و از شخصیت خود چیزی نمی‌گوید (ر.ک. ۲:۳)، و می‌توان ملاحظه کرد که در انتخاب کلمات، طرز بکار بردن آنها، و حتی طرز درک و استنباط راز مسیح تقواوت‌های متعددی وجود دارد.

اصطلاحاتی نظیر «مسیح یسوع» یا «در مسیح» که در نوشته‌های پولس فراوان است در این نامه یافت نمی‌شود. قسمت‌هایی از عهد عتیق که در این نامه آمده است هیچ وقت به عنوان «نوشته‌های مقدس» (یا «نوشته شده» یا «نوشته مقدس می‌گوید») ذکر نمی‌شود بلکه نویسنده با عنوان «سخنان» (یا

## رساله به عبرانیان سخنرانی مذهبی یا نامه رسولی است؟

حتی در اینکه از نظر ادبی چه نوع نوشته‌ای است اختلاف وجود دارد. معمولاً آن را نامه به عبرانیان می‌نامند ولی مثل یک نامه آغاز نمی‌شود و نمی‌توان گفت که قسمت اولی آن گم شده و یا حذف شده باشد زیرا اولین عبارت (۱:۱-۴) آغاز عالی و مناسی است ولی نه اینکه به صورت آغاز نامه‌ای باشد بلکه یک سخنرانی مذهبی است و مجموعه انشاء این اثر هم مشخصات یک سخنرانی را دارد. نویسنده هرگز نمی‌گوید که می‌نویسد بلکه همواره سخن می‌گوید (۲:۵؛ ۲:۶؛ ۸:۹؛ ۱:۱۱؛ ۱:۱۱؛ ۵:۹؛ ۹:۶؛ ۱:۱۳). در متن نامه هیچ نکته‌ای که فقط جنبهٔ مکاتبه‌ای داشته باشد وجود ندارد و بایستی به آخرین بندهای نامه برسیم تا لحن کلام تغییر یابد: ۲۲-۲۵ که به صورت پایان یک نامه است؛ در این قسمت چند کلمه، اخبار و اطلاعاتی برای کسانی فرستاده شده که در جای دیگر اقامت دارند سپس سلام و درودهای معمولی و سخنی دربارهٔ آرزوی فیض برای مخاطبان آمده است. ولی قبل از رسیدن به این قسمت پایانی که به هیچ وجه لحن خطابه و سخنرانی ندارد یک عبارت رسمی آمده (۲۰:۱۲) که کاملاً به شکل پایان رسیدن تطبیق می‌کند، زیرا لحن نامه از بسیاری جهات با لحن نوشته‌های فیلون اسکندرانی نزدیکی دارد. اما هیچ گونه گواهی قدیمی در این مورد وجود نداشته و نوشته‌ای که مسلمان اثر آپولس باشد در دست نیست تا بتوان با نامه به عبرانیان مقایسه نمود و این فرضیه را نمی‌توان بررسی و تحقیق نمود و ناچار بایستی ندانستن نام نویسنده را پذیرفت.

مورد شناخت مسیح، نزدیکی وابستگی زیادی بین نامه به عبرانیان و نامه‌های دوران زندان پولس وجود دارد: مثلاً پسر تصویر خدا است، بالا رفتن او برتر از فرشتگان، نامی که پس از قربانی شدن دریافت می‌کند. با تمام این ملاحظات مهم و اساسی نمی‌توان سنت کلیساهاشی شرقی را نادیده گرفت که این نامه را اثر پولس می‌دانند. بلکه باید پذیرفت که نامه به عبرانیان بوسیله یکی از همراهان پولس انشاء شده است.

اما در مورد تعیین نام نویسنده نمی‌توان چیزی گفت زیرا در احادیث کهن هم در بین فرضیه‌های مختلف تردید داشته‌اند مثلاً نام‌های لوقا، کلمنت رُم یا برنابا را پیشنهاد می‌کردند در صورتی که برای هیچ یک از آنها دلایل کافی وجود ندارد. بدین سبب مفسران جدید کسان دیگری را جستجو کرده‌اند. آنچه را که لوتر پیشهاد می‌کند ظاهراً بیشتر مفروض به حقیقت است و نام آپولس است زیرا اصلاً یهودی بوده، در شهر اسکندریه تعلیم و تربیت یونانی فراگرفته به نوشته‌های مقدس آشنا بوده و به فصاحت شهرت داشته است (اع ۱۸:۲۴-۲۸؛ ۱-قرن ۶:۳)، و این مختصات کاملاً با مختصات نویسنده نامه به عبرانیان تطبیق می‌کند، زیرا لحن نامه از بسیاری جهات با لحن نوشته‌های فیلون اسکندرانی نزدیکی دارد. اما هیچ گونه گواهی قدیمی در این مورد وجود نداشته و نوشته‌ای که مسلمان اثر آپولس باشد در دست نیست تا بتوان با نامه به عبرانیان مقایسه نمود و این فرضیه را نمی‌توان بررسی و تحقیق نمود و ناچار بایستی ندانستن نام نویسنده را پذیرفت.

بحرالمیت کشف شده است، روابط کاملاً نمایانی هم با یهودیگری یونانی گرایان دارد، مضافاً بر اینکه تصور کرده اند تأثیر عقاید گنوستیک در این نامه پیدا شده است. از تمام مقایسه های مختلف چنین برمی آید که از منابع متعدد پرباری بهره گرفته است. این نامه در محیطی تهیه شده است که به نفوذ های مختلفی حساس بوده است و به جمیعت هایی از مسیحیان خطاب می شود که بتازگی تأسیس نشده اند (۱۲:۵؛ ۷:۱۳) ولی البته تشکیل آنها را نمایستی به دورانهای اولیه کلیسا در فلسطین رسانید (ر.ک ۳:۲). ملایمت لحن آغاز نامه (۶:۱۰؛ ۲۲:۳۴-۳۴) جای خود را به نوعی خستگی می دهد (۵:۱۱؛ ۱۰:۲۵؛ ۱۲:۳). دورنمای مشکلات جدید و سوسم نومیدی بر می انگیزد (۱۰:۳۵-۳۶؛ ۱۰:۱۲، ۴:۱۲) و به این موضوع خطر انحرافهای عقیدتی افزوده می شود که کمابیش جنبه تمایل به روشهای یهودیگری دارد (۱۳:۹). به هر صورت نفوذ نظریات یهودی مسیحی بر این جمیعت ها عمیقاً اثر گذاشته است.

**اوپاع و شرایط و تاریخ ارسال نامه**  
در پایان نامه اوپاع و شرایط معینی ذکر شده است ولی به طرز معما بی، به طوری که نمی توان زمان و محل این اوپاع را تعیین نمود. تیموتاوس در کجا و در چه تاریخی آزاد شده است؟ و از چه وضعیتی آزاد شده است؟ پاسخ به این سوالها را نمی دانیم. ذکر «آنکه از ایتالیا هستند» برای ما چیزی روشن نمی کند زیرا نمی دانیم در موقع نوشتن این یادداشت این اشخاص در کجا بوده اند و این نکته که مخاطبان نامه بعضی از ایمانداران

یک یا چند محل بیان شده و علاوه بر آن به صورت نوشته برای مسیحیان دیگر ارسال گردیده است و بدین مناسبت چند کلمه اخبار و سلام به آن افزوده شده است. امکان دارد که متن خطابه و یادداشت کوچک بدست اشخاص مختلفی نوشته شده باشد. اگر شیوه نگارش خطابه طوری است که نمی توان آن را به پولس رسول منسوب کرد، در مورد یادداشت چنین چیزی نمی توان گفت.

### مخاطبان نامه

در این نوشته هیچ نشانه دقیقی درباره مخاطبان نامه وجود ندارد. عنوان «به عبرانیان» جزو متن نامه نیست. این کلمه از زمان قدیم وجود داشته و به احتمال قوی وقتی که این نوشته را جزو نامه های رسولان یکجا جمع کرده اند این عنوان انتخاب شده است. معنی آن هم روش و مشخص نیست. مفسران قدیمی چنین استنتاج می کردند که مخاطبان نامه اصلاً یهودی و ساکن فلسطین بوده و به زبان عبری سخن می گفته اند ولی امروزه دیگر این نظریه را نمی پذیرند زیرا همه قبول دارند که متن یونانی نامه به صورتی نیست که بتوان گفت از زبان دیگری ترجمه شده باشد.

نویسنده ای این نظریه پشتیبانی می کند که نامه به یهودیان غیر مسیحی، مخصوصاً به اعضای فرقه قمران خطاب شده است: ولی این فرضیه غیر محتمل است زیرا در نامه دعوت به گرایش وجود ندارد بلکه مخاطبان را به پایداری و پیشرفت در ایمان می خواند (۳:۶؛ ۶:۵؛ ۹:۱۲ وغیره)، وانگهی اگر این نامه روابط غیرقابل انکاری با نوشته هایی دارد که در قمران، نزدیک

این نوع تقسیم با قصد و نیت نویسنده به خوبی تطبیق نمی کند زیرا از همان ابتدای نامه تشریح مطالب عقیدتی و موقعه ها را نوبت به نوبت و یکی پس از دیگری می آورد (ر.ک ۱۲:۳؛ ۱۶:۴؛ ۱۱:۵؛ ۱۲:۶) و علاوه این است که ایمان و زندگی مسیحی را کاملاً متعدد سازد.

تقسیم دیگری به سه قسمت که عبارتست از: ۱- سخن خدا (۱:۱؛ ۴:۱-۱:۱)؛ ۲- مقام کهانت مسیح (۲:۴؛ ۱۰:۱-۱۴:۱)؛ ۳- زندگی مسیحی (۱۰:۱۹-پایان) ممکن است ارزش بیشتری داشته باشد زیرا بعضی ملاحظات واقعی منظور گردیده ولی در این تقسیم مجموعه اطلاعات در نظر گرفته نمی شود. بررسی دقیق تری نشان می دهد که در ترکیب و ساختمان نامه، روش ثابت و مستحکمی بکار رفته که با روشهای ادبی سنتی کتاب مقدس (بکار بردن «جمله معترضه»، «کلمه کلید» و ترکیب های متقارن) بستگی دارد و در فاصله بین آغاز خطابه و نتیجه گیری آن پنج قسمت وجود دارد که یکی پس از دیگری نویسنده اعلام شده است (ر.ک ۱۰:۵ توضیح m؛ ۱۰:۵ توضیح i؛ ۱۷:۲ توضیح k؛ ۱۷:۲ توضیح ۴:۱ توضیح a؛ ۱۸:۲ توضیح ۳۹).

(۱) در قسمت اول (۵:۱-۲:۱۸) نویسنده علاوه این کهانت مسیح را تعریف کند یعنی مسیح را نسبت به خدا (۱:۵-۵:۱۴) و نسبت به آدمیان (۲:۵-۵:۱۸) تعیین نماید. بدین منظور از مقایسه با موقعیت فرشتگان استفاده می کند. این توضیحات به بیان مقام کهانت مسیح منتهی می شود (۲:۲-۱۷).

(۲) سپس در قسمت دوم (۳:۱-۵:۱۰) کهانت مسیح منتهی می شود (۰:۲-۱۲:۱۳).

اهل ایتالیا را می شناختند کافی نیست که هویّت ایشان معلوم شود.

تاریخ نگارش نامه را هم به روشهای مختلفی برآورد نموده اند. مثلاً مفسری که به بعضی عبارات نامه، با هنجار قدیمی توجه کند تاریخ نامه را خیلی بیشتر و قبل از نامه های طولانی پولس تعیین می نماید. مفسران دیگری تاریخ نگارش آن را به پایان قرن اول میلادی و حتی دیرتر عقب می برند. چون کلمنت اسقف رم در حدود سال ۹۵ میلادی از این نامه استفاده کرده است نمی توان تاریخ نگارش آن را خیلی دیرتر تعیین نمود. از سوی دیگر درباره شناخت مسیح، شباهت و نزدیکی هایی بین دو نامه و نامه های دوران زندان پولس وجود دارد و این نکته تاریخی نزدیک به شهادت پولس را القاء می کند. می توان تصور کرد که تاریخ نگارش نامه در سالهای قبل از انهدام معبد اورشليم، یعنی سال ۷۰ میلادی بوده است زیرا نویسنده از آداب نیايش معبد یاد کرده و آن را به عنوان حقیقتی که همواره فعلیت دارد ذکر می نماید (۱:۱-۳).

### طرز ترکیب و ساختمان نامه

نقصان اطلاعات ما درباره تاریخ نگارش نامه به عبرانیان اشکال مهمی ایجاد نمی کند زیرا شیوه نگارش این اثر آن را از وقایع مخصوص مستقل می سازد و اهمیت بیشتری دارد که نکات عمده ترکیب و ساختمان آن را تشخیص دهیم. در دوران کهن این نامه را به دو قسمت تقسیم می کردند که یک قسمت جنبه عقیدتی دارد (۱:۱-۱۰:۱) و دیگری جنبه اخلاقی دارد (۱۰:۱-۱۹:۱). ولی

کرد. و از ایمانداران دعوت می‌کند که با تصمیم قاطع به راه راست قدوسیت و صلح وارد شوند.

### مقام کهانی مسیح

به آسانی می‌توان دریافت نکته مهمی را که نامه به عبرانیان از نظر عقیدتی آورده است قبل از هرچیز ارائه روحانیت و کهانت راز مسیح است. زیرا نامه به عبرانیان تنها نوشتۀ عهد جدید است که در آن به مسیح عنوانهای کاهن و کاهن اعظم داده شده است. و این نکته اهمیت زیادی دربر دارد. زیرا رابطه بین ایمان مسیحیت و آینین نیایش را بیان می‌کند با توجه به اینکه آینین نیایش یکی از جریانهای اساسی سنت کتاب مقدس بوده و شامل مراسم مذهبی و قربانی‌ها، کهانت و قدس خدای اسرائیل است.

در نظر اول شخص یسوع و عمل او ارتباطی با این نحوه بیان و اظهار مذهبی ندارد زیرا جزو طبقه کاهنان نبوده و هرگز ادعای خدمت کهانت را نکرده بود. و اما در مورد مصلوب شدن وی بر روی تپه جلجتا، این واقعه به صورت ظاهر هیچ گونه جنبه‌آین نیایش نداشته بلکه مرگ یسوع به صورت مجازات قانونی و شرعی ارائه گردیده و عمل قضایی و ننگ آور محسوب می‌شد که محکوم را از قوم خدا طرد و خارج می‌کرد در صورتی که قربانی کردن عمل نیایشی بشمار می‌رفت که شکوهمند بوده و موجب پیوند و اتحاد با خدا می‌شد.

برای اینکه جنبه قربانی، مصائب و مصلوب شدن مسیح و رستاخیز او کاملاً روشن شود لازم است در دو مورد از نظریات معمولی

تحقیق دو شرط اساسی که برای نیل به هر مقام کهانت است نشان داده شده و عبارتند از اینکه: مسیح در نزد خدا مقام و اعتبار دارد (۳:۱-۶) و با آدمیان تعاون مشترک دارد (۴:۵-۱۰). موقعیت او قابل مقایسه با وضع موسی (۳:۲) و هارون است (۵:۴). در بین این دو مقایسه، تویسنده موضعه ای طولانی درباره وفاداری مسیحیت وارد می‌کند (۳:۷-۱۴).

(۳) در قسمت سوم نامه (۵:۱۰-۱۱:۳۹) این نظریه به تمامیت بیان شده است زیرا مشخصات مخصوص مقام مسیح را به عنوان کاهن تشریح و روشن می‌کند: بدین معنی که می‌گوید مسیح، کاهن اعظمی از نوع جدید است (۷:۱-۲): قربانی شخصی او به کلی غیر از رسوم کهن است و دسترسی و ورود به قدس واقعی را گشوده است (۸:۱-۹:۲۸); حقیقتاً بخشایش گناهان ما را کسب کرده است (۱۰:۱-۱۱:۱۸). بنابراین قربانی او به اسلوب کهانت قدیمی، قوانین کهن و عهد عتیق پایان داده است. قسمت سوم نامه که مهمترین قسمت آن است شامل یک مقدمه (۵:۶-۲۰) و یک نتیجه‌گیری است (۱۰:۱۹-۳۹).

(۴) در قسمت چهارم (۱۱:۱-۱۲:۱۳) برای اینکه مسیحیان را در راهی که قربانی مسیح گشوده است هدایت نماید در مورد دو جنبه اساسی زندگی معنوی و روحانی تأکید می‌نماید که عبارتند از: ایمانی نظیر ایمان قدماء (۱۱:۱-۴۰) و استقامت و پایداری

لازم (۱۲:۱-۱۳).

(۵) بالاخره قسمت آخر نامه (۱۲:۱۴-۱۳:۱۸) تصویری از زندگی مسیح ترسیم

زمینی بودند، یک رشته اعمال معین و قراردادی که نمی توانستند وجودان را عمیقاً پاک کنند (۹:۹؛ ۱۰:۴) و نه اینکه آدمی را تا به خدا بالا ببرند. بر عکس مرگ مسیح هدیه شخصی کاملی است (۹:۶؛ ۱۴:۹)؛ تمام وجود آدمی را گرفته و به تمامی در تابعیت مشیت خدا قرار می دهد (۵:۸؛ ۱۰:۹-۱۰). در عین حال او را از سرتاته نو کرده در محرومیت خدا می گذارد. مسیح بوسیله مرگ خود کاهن آسمانی شده (۹:۲۴)، گناهان را زدوده و پیمانی نو و جاودانی بنیاد نهاده است (۹:۱۵؛ ۱۳:۲۰). خون او، راه وصول ما را به خدا تضمین کرده است (۱۰:۱۹). همه اینها عملی خدایی است، عطیه ای از خدا به آدمیان، زیرا خدا است که در پیش این تغییر بنیادی را در آدمی تحقق بخشیده است (۲:۱۰).

### موقعیت مسیحی

موقعیت مسیحی، قبل از هرچیز بوسیله ارتباطی که از طریق روحانیت با خدا دارد تعیین می شود. لازم به یادآوری است آیین نیایش کاهن مربوط به استغفار (۱۶:۱) که اقدامات بی حاصل و فقط تجسس قبلی بود (عبر ۹:۹؛ ۱۰:۱) با قربانی منحصر به فرد مسیح، حقیقتی کامل شده است. «ما کاهن اعظمی داریم» (۸:۱؛ ر.ک ۴:۱۵؛ ۱۰:۲۱)، کاهن اعظمی که یک بار در قدس حقیقی وارد شده است (۹:۱۲) و از این پس نماینده ما به نزد خدا است (۷:۲۵؛ ۹:۲۴). او راه را برای ما گشوده است؛ و از ما دعوت می شود به دنبال او با اطمینان نزدیک شویم (۴:۱۶؛ ۷:۱۰؛ ۱۰:۲۲). گناه منسوخ گردیده

فراز رفت: از یک طرف کوته فکری معمولی در مورد اجرای مراسم مذهبی به کنار گذاشته شود و از سوی دیگر، ماورای ظواهر امر زرفای مفهوم عمیق این واقعه در ک گردد. تحت تأثیر الهام های پیامبران (اش ۱۰:۵؛ ۲۵:۱) و سخنان یسوع (۱۱:۱۱؛ ۲۵:۱) و همچنین به راهنمایی اوضاع و شرایطی نظیر تقارن مصائب و صلیب مسیح با عید گذر، افکار مسیحیان به این روشنایی گشوده شد. (ر.ک ۱-۱۹:۱). و اظهار این موضوع در نامه به عبرانیان به صراحت قاطع و مطلوب رسید. ولی بدون مقایسه دقیق با رسوم مذهبی کهن و قربانیهای حیوانات چنین نتیجه ای حاصل نمی گردید. به طوری که قبل از این تغییر شد این اظهارات ممکن است خواننده امروزی را دچار حیرت نماید. ولی باید دانست که نویسنده در این مرحله توقف نمی نماید بلکه بدین سبب آن را مطرح می کند تا فرد ایماندار را به ماوراء آن بکشاند.

نویسنده، انجام کامل مقام کهانت را در مسیح شکوهمند و در پایان مصائب و صلیب او تشخیص می دهد زیرا مسیح شکوهمند، پسر خدا و برادر آدمیان امکان دستری آدمیان را نزد خدا تأمین می کند؛ بنابراین کاهن اعظم است. مقام روحانی او در جانشینی هارون (۵:۴-۸) ولی فراتر از آن است. بنابرگوهی مز ۱۱ خدا می خواست کاهنی از نوع جدید «در ردیف ملکی صدق» برانگیزد (۷:۱-۲۸). مرگ مسیح و شکوه یافتن او یک قربانی واقعی است و حتی می توان گفت: تنها قربانی حقیقی که جانشین همه قربانی های قدیمی است. آن قربانیها محدود به سطح

می توان ملاحظه کرد. مثلاً آیین نیایش کهن به دو گونه روایت شده است. نویسنده در این آیین‌ها، هم انعکاس حقیقت تغییرناپذیر آسمانی را نشان می‌دهد (۲۴:۹؛ ۵:۸) و هم تجسم قبلی واقعه‌ای را «که خواهد آمد»، یعنی قربانی شدن مسیح که دامنه و وسعت پایان روزگار را دارد (۱۲:۹-۷). بدین سان نامه شکل مخصوص پیچیده و پرباری گرفته است. همچنین ملاحظه می‌شود که نویسنده اشتغال خاطرهمیشگی را که وصول به ارزش‌های جاودانی است با تأثیر قاطع یک واقعه تاریخی به هم می‌آمیزد، واقعه‌ای که «یک بار» روی داده (۲۶:۹)، و «فقط یک بار برای همه» (۲۷:۷؛ ۹:۱۲)؛ آمیختن این دو منظرة عجیب که به نظر می‌رسد سازش ناپذیر هستند مسلماً تیزهوشی روح اور نشان می‌دهد و همچنین مخصوصاً نشانه‌تر فای ایمان او است.

نظريه پولس در مورد مغایرت بین ايمان و اعمال خير در هبيچ جای نامه به عبرانيان به چشم نمی خورد و نویسنده از آن سخنی نمی گويد بلکه نشان می‌دهد که ايمان بوسيله عمل بارور می‌شود و هر آنچه ارزشمند است و در نوشته‌های عهد عتيق تحقق يافته، مبنای آنها ايمان بوده است. از طرف دیگر مصراً تأكيد می‌کند در وضعیتی که در مقابله با آزمونها هستیم بایستی ايمان ما دو برابر بيشتر پایداری نماید (۱۰:۳؛ ۳۶:۱۰؛ ۱۲:۶-۱). اگر مسيح رنج و مرگ بشری را بر خود پذيرفته و آن را راه شکوهمندی خود (۹:۲؛ ۹:۶) و سيله نجات ما کرده است (۹:۵-۸)، برای آن نیست که خود ما از مواجهه با آنها معاف باشيم بلکه بتوانيم با اميدواري كامل با آنها

(۱۲:۹؛ ۱۰:۲۶)؛ دشمن مقهور شده (۱۴:۲) و آزادی قطعی حاصل گردیده است (۱۵:۲؛ ۹:۱۲). مسيحيان از هم اکنون در نعمت‌های دنيای آينده سهيم هستند (۶:۴-۵)؛ به مالكیت ملکوت قطعی دست می‌ياند (۱۲:۲۸). و برای ايشان دوران جديد از هم اکنون آغاز گردیده است (۱:۲؛ ۹:۲۶).

اين بدان معنى نیست که هم اکنون به مقصد رسیده‌اند. ندای آسمانی ايشان هنوز کاملاً تحقق نیافته است (۳:۱۰). زندگی ايشان همچنان در دنيای زميني که در آن شهری بادوام ندارند می‌گذرد و متوجه به شهر آينده است (۹:۱۴). در انتظار ظهور ثانوي نجات بخش خود هستند (۹:۲۸). نزديکي آن روز را مشاهده می‌کنند (۳:۲۵، ۱۰:۲)، ولي هنوز از تمام روشنابي آن برخوردار نیستند.

رابطه ايشان با خدا، رابطه‌اي نزديک حقيقي است ولي اين رابطه در ايمان به ايشان عطا شده است. فقط با ايمان هم اکنون در آرامش خدا وارد می‌شوند (۴:۳). ولي اگر بگذارند بي ايمانی در دلشان راه يابد از مسيح (۳:۱۴) و از خدا جدا خواهند شد (۳:۳؛ ۱۲:۳) و منجر به هلاکت می‌شوند (۱۰:۳؛ ۱۰:۳۹). وقتی که نویسنده از ايمان سخن می‌گويد دو نظريه نسبتاً مختلف را با يكديگر می‌آمizد. يكى نظريه ذهني که محتواي ايمان را يقين و مشخص می‌کند (۱:۱۱، ۳:۶)، و ديكري نظريه وجودي که فعاليت ايمان را نشان داده و آن را با اميد تشبیه و مقایسه می‌نماید (۱:۱۱، ۸-۱۰). بدین ترتيب دو نوع روحیه و طرز تفکر یونانی و يهودی در کنار يكديگر ظاهر می‌شوند.

همين نكته را در شرح و توضيحات ديجر

## رابطه منطقی عهد عتیق و عهد جدید

جنبه دیگری از آموزش نامه به عبرانیان در خور توجهی مخصوص است. نامه به عبرانیان شاید بهتر از دیگر نوشه‌های عهد جدید نشان می‌دهد چگونه نوشه‌های مقدس کهن در مسیح به تمامیت رسیده‌اند و مجموعه روایت‌هایی که این تمامیت مسیحی را مشخص می‌سازند آشکار می‌کند. این روایت‌ها مجموعه‌ای از مطالب درهم و پیچیده و حتی ضد و نقیض است، زیرا گاهی اثبات و نفی را به هم می‌بیوندند و به نتیجه‌ای غیرمنتظره می‌رسانند. مهمترین نمونه‌آنها موضوع قربانی مسیح است: به یک معنی مردن مسیح بر روی صلیب نفی آیین نیایش کهن است و چنین می‌نماید که ابدًا با آن ارتباطی ندارد و حتی از بسیاری جهات مخالف آن است. با این همه با نگاهی دقیق می‌توان مداومت عمیقی را کشف نمود. زیرا از یک سو و از سوی دیگر هدیه‌ای به خدا تقدیم می‌شود که به ریختن خون منتهی می‌گردد و منظور آن است که بخشایش گناهان حاصل گردد. ولی چقدر در مورد مسیح برتر و والاتر است! بجای ذبح حیوانات در اینجا هدیه خود است که به منتهی درجه خود رسیده، در اطاعتی کامل نسبت به خدا و در تقارن و همبستگی کامل با برادران خود انجام می‌گردد. بدین سان اکنون منظور و هدف آیین نیایش کهن یک باره برای همیشه حاصل شده و در نتیجه تمام رسم آیین نیایش قدیمی کهنه و منسوخ گردیده است.

این مثال تنها مورد منحصر به فرد نیست. نویسنده از آغاز تا پایان اثر خود، وعده‌ها را در مقابل تحقق یافتن آنها آورده، تجسم‌های

رو به رو شویم (۱۲:۲-۳).

با اینکه درباره یک قربانی منحصر به فرد، یعنی قربانی مسیح اصرار و تأکید می‌کند با این همه زندگی هر فرد مسیحی را به عنوان تقدیم «قربانی‌ها» (به صورت جمع) ارائه می‌نماید (۱۳:۱۶). ایمانداران را وادار کند که بواسیله یسوع مسیح، پیوسته «قربانی ستایشی» به سوی خدا بالا ببرند (۱۳:۱۵) و از طرف دیگر اظهار می‌کند که زندگی در خدمت برادرانه و احسان، ارزش قربانی کردن را دارد (۱۳:۱۶). فرد مسیحی به نمونه و سرمشق از قربانی مسیح و در همبستگی با او، نیایش را عملی در حاشیه زندگی نمی‌انگارد بلکه بواسیله نیایشی واقعی خود را به خدا ملحق می‌سازد. این بدان معنی نیست که فرد مسیحی سراپا در شهر زمینی غرقه گردد (ر.ک ۱۳:۱۲-۱۴) و یا اینکه هر جمیعت مسیحی منحل شود؛ بر عکس، نویسنده لزوم التصاق و همبستگی بین مسیحیان: توجه و مواظبت از یکدیگر (۳:۲؛ ۴:۱؛ ۱۰:۱؛ ۱۱:۱؛ ۲۴:۱)، حضور مداوم در اجتماع‌های مسیحیان (۱۰:۲۵) و اطاعت از رهبران (۱۳:۱۷) را بدادآوری می‌نماید و بارها و بارها اهمیت موعظه را گوشزد می‌کند (۲:۱؛ ۳:۵؛ ۴:۲؛ ۵:۱۱؛ ۷:۱۳). زیرا خیالی واهی است که کسی ادعا کند به خدا می‌توان رسید بدون اینکه به مسیح و به برادران خود پیوسته باشند. به طوری که مشاهده می‌شود نامه به عبرانیان تصویری روشن و کاملاً متعادل از زندگی مسیحی ارائه می‌نماید.

## پیشگفتار نامه به عبرانیان

عهد جدید چنان علاقه شدیدی به هم رأی با خدا ابراز می شود، چنان عقاید و نظریات عمیقی درباره شفاعت مسیح می توان یافت و چنان تفاهم واقعی از مشکلات زندگی مسیحی وجود دارد که آدمی از مراجعته به این اوراق اساسی خسته نمی شود. مسلمان آنچه این نامه برای ما می آورد امروزه گرانبهاتر از همیشه است. نامه به عبرانیان به مسیحیانی خطاب می شود که سرگردان بوده و ممکن است گرفتار دلسردی شوند و داروی حقیقی را برای این گونه بیماری ارائه می کند؛ نه اینکه موضعه های مبهم اخلاقی باشد بلکه کوشش جدید برای تعمّق و تفکر در ایمان به مسیح است.

قبلی کهن را در مقابل تمامیت و انجام آنها می آورد و پیوسته روایت های مختلفی را ارائه می کند که مربوط به جریان تحقیق منظور خدا است. نویسنده احساس دقیقی درباره مداومت این طرح دارد. طرحی که وحدت عهد عتیق و عهد جدید است. ولی بیشتر متوجه است که نوآوری و جنبه نهایی و پایانی الهامی را نشان دهد که مسیح آورده است.

## نتیجه

اگرچه برای بررسی متن نامه به عبرانیان تا اندازه ای کوشش لازم است، بزودی پاداش این کوشش حاصل می شود. در این نوشته‌ی

# نامه به عبرانیان

خدا بوسیله پسرش به ما سخن  
گفته است

۱ [پس از اینکه] سابقًا خدا  
چندین بار و به چندین گونه،  
بوسیله انبیاء<sup>a</sup> به پدران<sup>b</sup> سخن گفته است،  
۲ در این روزهای پایانی<sup>c</sup> بوسیله پسری<sup>d</sup> با

ما سخن گفته که او را وارث<sup>e</sup> همه چیز کرده  
و بوسیله او نیز روزگاران<sup>f</sup> را آفریده است.  
۳ [این پسر] که درخشش شکوه و نقش<sup>بیو:۱</sup> کول:۱  
گوهر او است<sup>g</sup> و همه چیز را با سخن<sup>۱۶:۲</sup>-قرن:۲  
قدرمند خود<sup>h</sup> حمل می کند، [پس از حکم<sup>۱۷:۱</sup>  
اینکه] گناهان را پاک کرد<sup>i</sup>، بدست راست<sup>۲۶،۱۴:۹</sup>

a- ترجمه تحتاللفظی: در [كتابهای] پیامبران. این عبارت در کتاب مقدس معمول نیست و معمولاً می نویسنده: به وسیله پیامبران.

b- پدران. منظور اجداد قوم اسرائیل یعنی نسلهای گذشته است (ر.ک ۹:۳؛ ۹:۸). مسیحیان، حتی آنانکه در اصل مشرک بوده اند به خوبی می دانند که به قوم اسرائیل وابسته اند (ر.ک روم ۱۸-۱۶:۴؛ ۱۸-۱۱:۱؛ قرن ۱۰:۱).

c- ترجمه دیگر: در دوران پایانی که ما هستیم. اصطلاح در روزهای پایانی که در ترجمه یونانی کتاب مقدس بکار می رود ترجمة یک اصطلاح عبری است که کمتر شخص و دقیق است و زمانی را تعیین می کند که خدا دخالت قطعی خواهد کرد (ر.ک حرق ۳۸:۲۸ و بند ۴۵ ترجمه یونانی: ۱۰: میکا ۴). با افروzen کلمه «در این» نویسنده اظهار می کند که دوران پایانی از این پس حاضر است و مسیح این دوران را افتتاح نموده است. ر.ک اع ۱۷:۲؛ ۱۱:۱۰؛ قرن ۱-پطر ۲۰:۱.

d- پس از پیامبران که اکنtra «خدمتگزاران» نامیده می شوند (ار ۷:۲۵؛ ۲۵:۴) یک پیام آور آخری آمده که پسر است (ر.ک مر ۶-۲:۱۲). کلمه پسر در متن اصلی بدون حرف تعریف آمده و لذا عبارت های بعدی صفات او ذکر می شود: و خواننده منتظر توضیحات بعدی درباره او است.

e- در این پسر وعده ای که به پدران داده شده است به مرحله تحقیق نهایی می رسد. وی ذریه ممتاز پیامبران بزرگ است (پید ۱۵:۱۵؛ ۲۱:۴-۳؛ روم ۱۳:۴) و از نسل داود است (مز ۸:۲) که به او سلطنت جهانی وعده داده شده بود (ر.ک دان ۱۴:۷؛ ۴:۲).

f- کلمه یونانی Aion که معمولاً دنیاهایا ترجمه می کند اصلاً به معنی: دوران، ابدیت می باشد و بدین سبب روزگاران ترجمه شده است. در اینجا نویسنده نامه به جنبه مسیحایی موضوع، جنبه روایات و نوشته های حکمت کتاب مقدس را افزوده است: بدین معنی که پسر به مانند حکمت در آفرینش جهان شرکت داشته است (ر.ک امث ۸:۲۷؛ ۳۱: ۲۱:۷؛ ۹:۹؛ حک ۳:۱۱).

g- چیزی به نظر می رسد که نویسنده در بکار بردن این کلمات و عبارات از توصیف تجسس حکمت الهی الهام گرفته است: حک ۷:۲۵-۲۶. ضمناً برای بیان ارتیاط پسر با خدا مؤثرترین واژه ها را انتخاب نموده است.

h- ترجمه تحتاللفظی: با سخن قدرت خود. به طوری که مشاهده می شود در نوشته یونانی تحت تأثیر شیوه بیان و نگارش عبرانیان از مفهوم اسم ذات به معنی نظری می پردازد. این عبارت را باید به مفهوم با سخن قدرتمند خود یا با قدرت سخن خود درک نمود. ضمناً منظور از ضمیر خود ممکن است خدا یا پسر باشد. قدرت الهی چنان است که برای اداره دنیا به هیچ کوششی نیاز ندارد: فقط یک سخن کافی است. ر.ک مز ۳:۳-۹.

i- در بعضی از نسخه های خطی افزوده شده است: بوسیله خودش.

من برای او پدری خواهم بود  
و او برای من پسری خواهد بود.<sup>n</sup>  
<sup>۶</sup> و همچنین موقعی که نخست زاده را به کول<sup>۱</sup> ۱۸:۱ دنیا وارد می کند<sup>۵</sup> می گوید:  
و همه فرشتگان خدا اورا پرستش ۱-پطر<sup>۲:۳</sup>  
کنند.<sup>p</sup>  
<sup>۷</sup> و در مورد فرشتگان می گوید:  
فرشتگان خود را بادهایی می کند<sup>q</sup>  
و خدمتگزارانش را شعله آتش می سازد<sup>r</sup>،  
<sup>۸</sup> اما در مورد پسر:

کبریا، در مقام های بلند نشست،<sup>۴</sup> به قدری  
برتر از فرشتگان که نامی<sup>k</sup> به ارت برده که  
خیلی عالی تراز [نام] ایشان است.<sup>۱:۱۹؛ ۲:۱۹؛ ۳:۱۹؛ ۴:۱۲؛ ۵:۱۲؛ ۶:۱۰؛ ۷:۱۰؛ ۸:۱۲</sup>

### پسر خدا برتر از فرشتگان

<sup>۵</sup> زیرا به کدام یک از فرشتگان یک بار  
گفته است!<sup>i</sup>

تو پسر منی،<sup>۵:۵</sup>  
من تو را امروز تولید کرده ام<sup>m</sup><sup>۳:۱۳</sup>  
و همچنین:

۱- این عبارت معمولاً در روایات در تجلیل مسیح بکار رفته است و از مز ۱:۱۱ گرفته شده که در آنجا به معنی آسمانی آمده است: در بلندی ها (ر. ک مت ۶۴:۲۶). مز ۱۱۰ در جاهای دیگر نیز نقل خواهد شد (ر. ک عبر ۱۳:۱ x).

۲- نام، معرف اهمیت و ارزش یک فرد و مقام او نسبت به دیگران است. نویسنده برای تعیین موقعیتی که پسر بس از بازرگانی که نسبت نموده است وی را با فرشتگان مقایسه می کند، زیرا تا آن زمان فرشتگان به عنوان بهترین موجوداتی بشمار می آمدند که آدمیان را نجات می دهند (ر. ک کتاب قاعدة جنگ ۶:۱۷) که در نوشته های قمران کشف شده و در آن امید به آزادی آدمیان بیان گردیده که خدا بوسیله فرشتگان انجام می دهد). در پایان این مقدمه، نویسنده موضوعی را که از ۵:۱ تا ۱۸:۲ تشریح خواهد کرد آغاز می نماید.

۳- فعل گفتن به جای فعل نوشتن آمده و بدون اینکه فاعل فعل ذکر شود و این روش در نقل قول برخلاف روش معمولی نویسنده است و با طرز نگارش پولس تطبیق می کند.

۴- مز ۷:۲. این عبارت و نقل قول بعدی که در مورد اعلام پادشاهی پسر و به عنوان جانشینی داده است و به مفهوم مسیحیانی در کم می شوند، در اینجا به طور ضمیمی برای تجلیل مسیح آمده است (ر. ک روم ۴:۳-۱؛ اع ۱:۳؛ ۱۳:۱۲).

۵- مز ۷:۲-۲-سو ۱:۱-۱۷-توا ۱:۱۳-۱۷.

۶- درباره این بند بحث و اظهار نظرهای مختلفی شده است: ۱- بعضی آن را درباره سکونت روح خدا در جسم مسیح می دانند، ۲- برخی درباره بازگشت مسیح در کرده و چنین ترجمه می نمایند: اماً موقعي که از نو نخست زاده را به دنیا وارد می کند... ۳- بعضی دیگر این بند را مربوط به تاجگذاری و اعلام سلطنت مسیح در شهر آسمانی به هنگام تجلیل در عید گذر می گیرند (ر. ک افس ۱:۲۰-۲۱؛ فی ۲:۹-۱۰). معنی اخیر با موضوع عبارت و متن کلام بهتر تطبیق می کند: در اینجا کلمه نخست زاده اشاره به جلوس و تاجگذاری است (ر. ک مز ۲:۸-۹ که مطالب ۲-سو ۷:۱۴ را تشریح کرده و در بند ۵ آمده است). کلمه یونانی که دنیا ترجمه شده به معنی تحت اللطفی دنیای مسکون است و غیر از کلمه یونانی دیگری است که معمولاً دنیا یا جهان ترجمه می شود و در اینجا به معنی شهری است که خواهد آمد (ر. ک اش ۴:۶۲ ترجمه یونانی؛ مز ۹:۶-۱۱ ترجمه یونانی): نویسنده این معنی را در ۵:۲ تأیید می نماید.

۷- نت اصلی به جای کلمه خدا آمده که دخالت نهایی را محول کرده است. متن اصلی به اینجا کلمه ضمیر او در من نماید که خدا به او انجام دخالت نهایی را محول کرده است.

۸- در این نقل قول که از ترجمة یونانی، که یکی از متن های عربی کشف شده در قمران آن را تأیید می نماید. در این جمله ضمیر او در است: آنکه بادها را پیام آوران [فرشتگان] خود می کند؛ لازم به پادآوری است در زبان عربی یک کلمه هم به معنی روح و هم به معنی نسیم و باد است در صورتی که در زبان یونانی از یکدیگر متمایز هستند. موضوع اینکه در خدمت خدا قرار دارند در هر دو متن عربی و یونانی وجود دارد.

۹- مز ۱۰:۴.

به دست راست من بنشین  
تا دشمنان را چهارپایه زیر پاهای تو

قرار دهم<sup>X</sup>

<sup>۳</sup> آیا همگی ارواحی نیستند که برای  
خدمتگزاری [اختصاص داشته و] به خاطر  
کسانی که باید وارت نجات باشند اعزام مز ۱۱:۹۱  
شده باشند<sup>۷</sup>؟

### اهمیت قطعی نجاتی که اعلام شده است

<sup>۱</sup> بدین سبب ما باید به آنچه

<sup>۲</sup>

شنیده ایم توجه بیشتری داشته  
باشیم، مبادا هرگز دچار انحراف شویم،  
<sup>۲</sup> زیرا اگر سخنی که به وسیله فرشتگان گفته  
شده<sup>Z</sup> تأیید گردد و هر تجاوز و نافرمانی،  
جزای عادلانه دریافت نماید، <sup>۳</sup> چگونه رها<sup>:۲۹:۱۰</sup>  
<sup>۴:۱۲</sup> خواهیم شد اگر از چنین نجات عظیمی  
غفلت نماییم، آن که در آغاز بوسیله خداوند  
اعلام گردیده و برای ما بوسیله آنانکه  
شنیده اند تأیید شده است، <sup>۴</sup> خدا بوسیله

تخت تو، ای خدا، روزگار پس از روزگار<sup>۸</sup>  
و عصای درستی، عصای سلطنت تو است.<sup>۹</sup>

<sup>۹</sup> تو به عدالت محبت داشته

و از بی قانونی متفرقی؛

بدین سبب، خدا، خدای تو

تورا به ترجیح از شریکانت<sup>۱۰</sup> با روغن  
شادی مسح کرده است.

<sup>۱۰</sup> و تو، خداوندا، در اوایل، زمین را

پی ریزی کردی

<sup>۱۱</sup> آنها از بین خواهند رفت و تو باقی

می مانی

و همه مانند ردا کهنه خواهند شد.

<sup>۱۲</sup> و ایشان را به مانند جامه ای در هم خواهی

پیچید<sup>۷</sup>

<sup>۲۷-۲۶:۱۲</sup>

و به مانند ردایی تغییر خواهند یافت

<sup>۸:۱۳</sup>

اما تو همان هستی و سالهای تو پایان

خواهند یافت.<sup>W</sup>

<sup>۱۳</sup> و به کدام یک از فرشتگان هرگز گفته

است:

- مز ۴:۴۵. این عبارت نیز در مورد جلوس به مقام سلطنت آمده است. در اینجا به پادشاه، الوهیم یعنی خدا خطاب می شود و این کلمه در مورد مسیح تمامیت شگفت انگیزی می گیرد زیرا تاج گزاری و جلوس به مقام سلطنت زمینی نبود بلکه آسمانی است.

- در بعضی از نسخه های خطی: عصای سلطنت او است.

<sup>۱۱</sup> مز ۴:۴۵-۸.

- در بعضی از نسخه های خطی بجای در هم خواهی پیچید نوشته شده: عوض خواهی کرد که از اش ۴:۳۴ الهام گرفته شده است. در قسمت دوم این عبارت: به مانند ردا در مز ۲۷:۱۰ ب وجود ندارد. بسیاری در نسخه های خطی نامه به عیرانیان نیز این کلمه را حذف کرده اند.

- مز ۲۶:۲۸-۲۶. این مز ۲۶:۲۸ این مز ۲۶:۲۸ درباره خدا و پایان جهان سروده شده است. چون مسیح پس از رنجها و مصائب خود فرمانروایی بر دنیا را دریافت نموده است، این موضوع درباره او است.

- مز ۱۱:۱۰. ترجمه تحت الفظی: تا اینکه دشمنان را همچون چهارپایه پاهاست قرار دهم. این مز ۲۶:۲۸ درباره تاج گزاری پادشاه سروده شده مفهومی مسیحیایی در بر دارد و پادشاهی کاهن را ارائه می نماید. مز ۱۱:۱۰ مبنایی از نوشته های مقدس در تأیید نظریه این نامه است (ر. ک ۲۰:۶، ۲۸:۷، ۱۰:۱۰، ۱۱:۲۰، ۱۱:۱۰).<sup>X</sup>

- در اینجا نویسنده از نقل قولی که در بند ۷ آمده است الهام می گیرد. تقاضوت بین مسیح که به مقام سلطنت جلوس می کند و فرشتگانی که به خدمت فرستاده شده اند خیلی زیاد است. در اینجا مجددًا موضوع ارت مطرح می شود (ر. ک ۲:۱، ۴) ولی این بار مسیحیان وارت خواهند شد. لازم به یادآوری در نوشته های عهد عتیق موضوع مسیح دریافت سرزمنی به عنوان میراث مطرح است درصورتی که در اینجا نویسنده به میراث جنبه معنوی داده و مسیحیان نجات را به ارت دریافت می کنند.

- اشاره به الهامی است که در صحرای سینا رسیده بود (ر. ک ۱۹:۳، ۱۹:۳:۷، ۱۹:۳:۷:۱۴).

زیرا همه چیز را به فرمان او گذاشته است  
و هیچ چیز را نافرمان او نگذاشته است.  
باری اکنون هنوز نمی بینیم که همه چیز  
به فرمان او باشد.<sup>۹</sup> اما آنکه نسبت به  
فرشتگان اندکی پایین تر بوده<sup>۱۰</sup>، یسوع را  
می بینیم که به سبب [تحمّل] رنج مرگ، تاج فی<sup>۹-۸:۲</sup>  
جلال و افتخار دریافته است<sup>۱۱</sup> تا با فیض  
خدای<sup>۱۲</sup> به خاطر هر کسی مرگ را چشیده باشد. <sup>۱۴:۵:۶</sup>  
ازیرا آنکه همه برای او و همه بواسیله  
او است و انبوهی از پیسران را به سوی لو<sup>۲۲:۱۳</sup>  
شکوه رهبری می نماید شایسته بود رئیس  
نجات آنان را بواسیله رنج ها به کمال  
برساند.<sup>۱۳</sup> زیرا آنکه مقدس می کند و  
آنکه مقدس هستند همگی از یک [منشأ]  
هستند!<sup>۱۴</sup> بدین دلیل عار ندارد از اینکه مت<sup>۱۰:۲۸</sup>  
یو<sup>۱۷:۲۰</sup>

نشانه ها و همچنین شگفتی ها و هر نوع  
۱- قرن ۱۱:۱۲ معجزه ها<sup>۱۵</sup> و توزیع [عطایای] روح القدس  
برطبق اراده خود گواهی کرده است.

### برادر آدمیان

<sup>۱۶</sup> زیرا دنیای [مسکون] آینده<sup>۱۶</sup> را که از آن  
سخن می گوییم فرمانبردار فرشتگان نساخته  
است، بلکه کسی در جایی شهادت داده،  
گفته است:

<sup>۱۷</sup> چیست انسانی که او را به یاد می آوری  
یا پسر انسانی که به او توجه می نمایی؟  
<sup>۱۸</sup> تو او را از فرشتگان<sup>۱۸</sup> اندکی پایین تر  
ساختی و با جلال و افتخار، او را  
تاجگذاری کردي<sup>۱۹</sup>؛  
۱- قرن ۱۵:۲۷:۲۷ همه را به زیر پاهای او نهاده ای<sup>۲۰</sup>.  
۲۲:۱۵ آفس

- ر.ک ۱۶:۱۷:۱۶، ۱۸-۱۷:۲۰، ۲۰:۱۴:۵؛ ۱۲:۵؛ ۱۹:۱۵-۲:۲- قرن ۱۲:۱۲-a

- b- ترجمه تحت الفظی: دنیای مسکون که می آید. ر.ک ۰۶:۱.

- c- در زبان عبری کلمه الوہیم اسم جمع است که اکننا به صورت مفرد و به معنی خدا بکار می رود. ولی ترجمه یونانی کتاب مقدس (هفتادتنان) آن را به صورت جمع: موجودات آسمانی در کرده و فرشتگان ترجمه نموده اند.

- cc- در برخی نسخه ها، جمله ای بیشتر است  
d- من ۶:۵-۶، ۷ ب. در بعضی از نسخه های خطی تمام عبارت مزمور<sup>۲۱</sup>، بدون حذف بند ۷ الف آن ذکر شده است. در این  
مزمور هدف آدمی در جهان آفرینش توصیف می شود (ر.ک پید ۲۶:۱).

e- از نظر مفهوم فضایی یعنی: در سطحی اندکی پایین تر؛ با از نظر مفهوم زمانی: در مدت زمانی کوتاه.

f- آرمان و هدف آدمی کاملاً در راز مسیح تحقق می یابد.  
g- در متن نسخه های دیگری: بدون خدا یا غیر از خدا آمده است که الیته با موضوع متن نامه و عبارت تطبیق نمی نماید (ر.ک  
۱۰:۲). اورین چنین درک کرد است: برای هر موجودی غیر از خدا (ر.ک ۱- قرن ۲۷:۱۵). کسان دیگری تصور می کنند  
مریوط به سخنان مسیح بر روی صلیب می باشد (مت ۴:۲۷).

- h- ترجمه دیگر: به تمامیت رهبری نماید. فعل یونانی که در این مورد بکار رفته نقش مهمی در این نامه دارد ولی بعضی از  
جنبه های مفهوم کلمه در ترجمه ها ندیده گرفته می شود زیرا در این کلمه مفهوم وصول به یک هدف نیز وجود دارد و در ترجمه  
یونانی کتاب مقدس (هفتادتنان) در مورد تعیین و انتصاف به مقام روحانی آمده است. نویسنده نامه همواره این کلمه را در  
مورد ارتباط با خدا آورده و در بیان راز شکوهمندی مسیح (۲:۷؛ ۹:۵؛ ۱۰:۲) و در مورد بیان انجام کامل هدف غایی آدمی  
بکار می برد (۱۰:۱۱؛ ۱۱:۴؛ ۱۲:۲۳) بنابراین مفهوم کلمه منحصر به پیشرفت ساده ای در کمال اخلاقی نیست با این همه  
متضمن این موضوع می باشد، بلکه به معنی تغییر و دگرگونی کامل انسان است که او را به سوی خدا بالا می برد. با اجرای  
مراسم مذهبی قدیمی نمی توانستند به این تغییر دست یابند (۷:۱۱، ۱۶:۱۱؛ ۷:۹؛ ۱۹:۹؛ ۱۰:۷) زیرا عملی خدایی است (۱۰:۲) ولی در  
رنجهها و مصائب و مصلوب شدن مسیح این عمل انعام گردیده است (۲:۱۰؛ ۵:۸-۹)، ضمناً این تغییر وضعیت جنبه روحانی  
دانشته (f ۱۱:۷: h ۹:۵) و بواسیله مسیح به کسانی که به او پیوسته اند منتقل می شود (۰:۲؛ ۴:۱).

i- این به اشکال مختلفی تفسیر شده است. بعضی از مفسران مشاً مشترک را خدا دانسته اند (ر.ک ۱- قرن ۶:۸) مفسران دیگری  
مشباً مشترک را آدم ابوالبشر یا ابراهیم و یا تزاد بشری تصور کرده اند. نویسنده می خواهد تأکید نماید که بین مسیح و آدمیان  
همبستگی وجود دارد.

به خاطر فرشتگان به یاری می‌آید بلکه

برای تبار ابراهیم به یاری می‌آید. اش ۹-۸:۴۱

<sup>۱۷</sup> سپس باید از هر حیث [خود را]

همانند برادرانش بکند تا کاهن اعظمی<sup>n</sup> فی ۷:۲

رحمیم و وفادار در امور خدا باشد برای

اینکه کفاره<sup>۰</sup> گناهان قوم<sup>p</sup> را بدهد.

<sup>۱۸</sup> زیرا به همین سبب که خودش به تجربه

گذاشته شده و رنج کشیده است می‌تواند

آنان را که به تجربه درآمده‌اند یاری

نماید.

### مقایسه یسوع با موسی

<sup>۱</sup> بنا براین، ای برادران مقدس،

<sup>۳</sup>

شما که از فراخوانی آسمانی سهم

دارید، درباره رسول<sup>q</sup> و کاهن اعظم

اصول ایمان<sup>r</sup> خود، یسوع بیندیشید:

<sup>۲</sup> نسبت به آنکه او را برقرار کرده<sup>s</sup> اش ۷:۱۷

ایشان را برادران بنامد. <sup>۱۲</sup> [هنگامی که]

می‌گوید:

نام تو را به برادران خود اعلام خواهم کرد

و در میان کلیسا تو را ستایش خواهم

نمود.<sup>t</sup>

<sup>۱۳</sup> و باز هم:

من به او اعتماد خواهم داشت.<sup>k</sup>

و باز هم:

اینک من، و فرزندانی که خدا به من

داده است.<sup>i</sup>

<sup>۱۴</sup> پس چون فرزندان در خون و گوشت

شریک هستند او هم بدین ترتیب در آنها

روم ۳:۸ سهیم گردید تا بوسیله مرگ آن را که بر

مرگ قدرت دارد، یعنی ابلیس را ناتوان

۱- یو ۸:۳ سازد. <sup>۱۵</sup> و آنان را که در تمام زندگی

به سبب ترس از مرگ گرفتار بردگی

بودند<sup>m</sup> رهایی بخشد. <sup>۱۶</sup> زیرا حقیقتاً نه

j- مز ۲۳:۲۲. مزموری که درباره عادل رنجور و مظلوم است و در روایت مصائب یسوع به او نسبت داده شده است (ر. ک مت ۳۵:۲۷، ۳۹، ۴۳، ۴۶)، بندی که ذکر شده مربوط به آزادی است که انتظار می‌رود و لذا در مورد مسیح از مرگ برخاسته است.

k- سمو ۳:۲۲ یونانی: فریاد اعتماد پیروزمندانه قهرمان خدا است: در اش ۱۷:۸ نیز آمده است.

l- اش ۱۷:۸. قهرمان خدا فرد پیروزمندی یکه و تنها نیست بلکه با کسانی که به او سپرده شده‌اند متحد است.

m- ر. ک روم ۲:۵.

n- در اینجا نویسنده نامه نکته اصلی نامه خود را وارد می‌کند. ر. ک مقدمه.

o- ترجمه تحتاللغتی: کفاره دادن. این کلمه گاهی به مفهوم تحمل کردن کفر که حتی بدون رضایت خاطر باشد درک و ترجمه می‌شود که با توجه به مفاد متن صحیح نخواهد بود، درصورتی که در متن عهد عتیق به مفهوم باک کردن و تصفیه کردن است که خدا برای قوم خود درنظر گرفته است (ر. ک لا ۴: ۲۰؛ ۶: ۱۶؛ ۱۷: ۱۱). در اینجا بیان می‌کند قدرتی را که مسیح برخاسته از مرگ داشته می‌تواند آدمیان را از گناهانشان آزاد نماید (ر. ک ۷: ۲۵؛ ۹: ۲۵؛ ۱- یو ۲: ۱- ۲).

p- این بند آغاز توضیحی است که متعاقباً می‌آید. در مورد وفادار در امور خدا از بند ۱۰ توضیح داده می‌شود و در مورد کاهن اعظم رحیم از بند ۱۵:۴ ۱۰:۵ تشریح خواهد شد.

q- منتظر از رسول نماینده صلاحیتدار خدا به نزد مردمان است و یا نماینده مردمان به نزد خدا است.

r- ترجمه تحتاللغتی: کاهن اعظم: برای این اصطلاح چند تفسیر بیشنده شده است: ۱- کاهن اعظمی که به او ایمان

داریم. ۲- کاهن اعظمی که در بیان اصول ایمان به این عنوان نامیده شده است. ۳- کشیش اعظمی که به وسیله او بیان اصول

ایمان ما پذیرفته می‌شود و در ایمان به خدا می‌گرویم. تفسیر اولی غیر صریح و خیلی مهم است: برای تفسیر دومنی مدرک و

دلیل وجود ندارد و هیچ یک از عبارات بیان اصول ایمان را نمی‌شناسیم که در آن یسوع به عنوان کاهن اعظم نامیده شده باشد.

و لی تفسیر آخری بیشتر با منظور و مفاد نامه تطبیق می‌نماید. ر. ک ۱۳: ۱۳؛ ۱۲: ۲؛ ۱۵: ۵؛ ۱- پطر ۱: ۲۱؛ ۱۰: ۱- ۲.

s- فعل یونانی که برقرار کردن ترجمه شده است در ترجمه تحتاللغتی: انجام دادن و کردن می‌باشد می‌توان گفت که در اینجا

شاره به برخاستن مسیح از میان مردگان، یا آفرینش جدیدی است که خدا انسان نو آفریده است (ر. ک افس ۲۴:۴).

همچنین می‌توان تعبیر کرد: آنکه کاهن اعظم را برقرار کرده است.

[هنگام] کشمکش در روز تجربه در صحراء<sup>۷</sup>،  
که در آنجا پدران شما را با آزمایشی به تجربه گذاشتند.<sup>۸</sup>  
و [ایشان] چهل سال اعمال مرا دیده بودند.<sup>۹</sup>

بدین سبب به این نسل خشمگین شدم و گفتم: ایشان همواره دل گمراه دارند و آنها راههای مرا نشناخته‌اند.  
به طوری که در خشم خود سوگند خوردم.<sup>۱۰</sup>

[خواهیم دید] اگر هرگز در آرامش من وارد خواهند شد.<sup>۱۱</sup>

ملاحظه کنید، ای برادران، که مبادا هرگز در هیچ یک از شما قلب بد، بی ایمان باشد که از خدای زنده دور شود.<sup>۱۲</sup> بلکه<sup>۱۳</sup>

وفدار<sup>t</sup> است همچنانکه موسی نیز در تمام خانه او بود.<sup>۱۴</sup> زیرا بیشتر از موسی شایسته شکوه بوده به همان اندازه که بیشتر از خانه، سازنده آن احترام دارد.<sup>۱۵</sup> زیرا هر خانه بوسیله کسی ساخته شده ولی آنکه همه را ساخته، خدا است.<sup>w</sup> و موسی حقیقتاً در تمام خانه او به مانند خدمتگزار<sup>x</sup> وفادار بوده است تا درباره آنچه گفته شود گواهی دهد؛<sup>۱۶</sup> اما مسیح همچون پسر در خانه او افسوس<sup>۱۷</sup> بود. و ما خانه او هستیم، اگر اعتماد [کامل]<sup>y</sup> و سربلندی امید را حفظ کنیم.

### ورود در آرامش خدا بوسیله ایمان

بدین سبب چنانکه روح القدس می‌گوید:  
امروز اگر صدای اورا می‌شنوید،  
دلهای خود را سخت مکنید به مانند

t- ترجمه دیگر این کلمه: معتبر. به عقیده بعضی از مفسران کلمه وفادار با موضوعی که به آن اشاره می‌شود (اعد ۱۲:۷) کمتر ارتباط دارد و واژه معتبر بهتر تطبیق می‌نماید زیرا مفهوم مقام و اقتدار دربر دارد.

u- ر.ک اعد ۱۲:۷.

v- برخلاف موسی که خود را واقعاً متمایز از خانه خدا نمی‌داند، پسون مقام سازنده و بنا کننده دارد (ر.ک ۲-سمو ۷:۷).

w- برطبق این استدلال که با کلمات مناسب انشاء شده است مسیح مقام خدا است (ر.ک ۱۰:۱).

x- کلمه یونانی که در اینجا آمده و خدمتگزار ترجمه شده است مفهوم افتخارآمیز دارد و در عهد جدید فقط در اینجا بکار برده شده است.

y- در بعضی از نسخه‌های خطی افروده شده است: تا پایان پارچا بیانیم؛ نظری عبارت بند ۳:۱۴.

z- در این طالب که از مزامیر نقل قول می‌شود، متن عبری به وقایع مسا و مریبه اشاره می‌نماید ولی در متن یونانی صریحاً به آنها اشاره نشده است.

a- در متن عبری این مزمور بایان بند بعد از کلمه اعمال آمده به طوری که چنین درک می‌شود: با اینکه اعمال مرا (یعنی معجزه‌هایی که در هنگام خروج از مصر انجام گردید) دیده بودند و موضوع مدت چهل سال مربوط به دوران بعدی است (ر.ک ۳:۱۷)، در صورتی که در اینجا مظور از اعمال همان کیفری است که خدا در مدت چهل سال بر ایشان روا داشته است (ر.ک اعد ۱۴:۳-۳۲).

b- مأمورانی را که برای شناسایی و اکتشاف به سرزمین موعود فرستاده بودند در بازگشت موجب دلسُردي و نومبدي قوم شدند به طوری که از پذيرفتن عطية خدا امتناع کردند و بدین گونه خشم خدا برانگيخته شد. تمام توضیح هایی که بعد از این می‌آيد مربوط به این موضوع است. در این بند صریحاً به اعد ۱۴:۲۱-۲۳ اشاره شده است.

c- مز ۹:۷، ۱۱، ۱۱ در متن یونانی کلمات خواهیم دید وجود ندارد بلکه متن عبری که یک عبارت کوتاه آمیخته به نفرین است کلمه به کلمه و ضعیف ترجمه شده است. متن کامل عبارت عبری تقریباً چنین است: «خدا مرا چنین و چنان کند اگر...» (ر.ک ۱-سمو ۱۴:۴۴-۲:۲۵-۲-سمو ۳:۵۳-۲-پاد ۶:۳۱).

d- ر.ک اعد ۱۴:۹، ۹:۱۱، ۲۸:۱، ۳۲: مز ۱۰:۶. ۲۴:۱۰.

مثل آنان<sup>۱</sup>، پیام نیکو داده شده؛ ولی سخنی را که شنیدند برای ایشان فایده‌ای نداشت [زیرا] نزد آنانکه آن را شنیدند با ایمان آمیخته نشد.<sup>۲</sup> روم ۱۶:۱۰

زیرا ما ایمانداران، در این آرامش وارد می‌شویم بنابر اینکه گفته است:

به طوری که در خشم خود سوگند خوردم؛<sup>۳</sup> ۱۱:۳

[خواهیم دید] اگر هرگز در آرامش من وارد خواهند شد.<sup>۴</sup>

با اینکه اعمال او از پی‌ریزی جهان پایان یافته بود،<sup>۵</sup> زیرا در جایی درباره هفتمنی روز گفته است: و خدا در هفتمنی روز از همه اعمال خود آرامش یافت.<sup>۶</sup> و در این باره باز هم: [خواهیم دید] اگر هرگز در آرامش من وارد خواهند شد،<sup>۷</sup>

و چون قرار است بعضی از ایشان در آن وارد شوند و آنانکه در ابتدا پیام نیکو را دریافت کرده اما به سبب نافرمانی وارد نشدند،<sup>۸</sup> [خداد] باز هم روزی را مقرر کرد، امروز، وقتی که پس از مدتی از زبان داود می‌گوید چنانکه قبل‌آگفته شد:

امروز اگر صدای او را می‌شنوید<sup>۹</sup> ۸-۷:۳

هر روز یکدیگر را تشویق کنید تا وقتی که بتوان «امروز<sup>e</sup>» گفت، تا هیچ یک از بین شما به سبب فربت گناه سخت [دل]<sup>f</sup> نشود.

<sup>۱۰:۲-۱۱:۲</sup> زیرا ما شریک مسیح شده‌ایم اگر تا پایان نخستین اعتماد [خود] پا بر جا بمانیم.<sup>۱۱:۳</sup>

<sup>۱۲:۳</sup> چونکه گفته شده است:

امروز اگر صدای او را می‌شنوید<sup>۱۲:۳</sup>

دلهای خود را سخت مکنید، بمانند هنگام کشمکش.<sup>۱۳:۳</sup>

<sup>۱۴:۳</sup> زیرا چه کسی [از ایشان] پس از شنیدن کشمکش کردن؟ بلکه موسی همگی ایشان را از مصر بیرون نیاورد؟<sup>۱۴:۳</sup> و به چه کسی چهل سال خشمگین شد؟ به آنانی نبود که گناه کردن و اجسادشان در صحرا افتاد؟<sup>۱۵:۳</sup> و به چه کسانی سوگند یاد کرد که به آرامش او وارد خواهند شد مگر نه آنان که نافرمان بودند؟<sup>۱۶:۳</sup> و می‌بینیم که به سبب بی‌ایمانی نتوانستند وارد شوند.<sup>۱۷:۳</sup>

<sup>۱۸:۳</sup> ۴ پس بترسمیم، چون وعده داده شده است به آرامش او وارد خواهیم شد، مبادا هرگز هیچ یک از شما تصوّر کنید<sup>۱۸:۳</sup> از این محروم است.<sup>۱۹:۳</sup> و زیرا به ما هم

- ترجمه تحتاللغظ: تا مدتی که امروز خوانده می‌شود. این اظهار در مزمور آمده است و منظور روز پذیرش در آرامش خدا است (۷:۴-۱۰) روزی که بر عکس برای بی‌ایمانان روز محکومیت خواهد بود (۲۷:۱۰). و بدین سبب نویسنده نامه شدیداً توصیه کرده و اندرز می‌دهد.

- ر.ک اعد ۱۴:۳۲، ۲۹:۱۴. f

- g ر.ک اعد ۱۴:۴۱-۴۵ و ث ۳۹:۳۹-۴۵.

- h کلمه یونانی که تصویر کرد ترجمه شده است ممکن است به دو معنی درک گردد: یقین داشته باشد یا بر او ثابت شود خطاکار است. بعضی از مفسران با توجه به موضوع متن، مفهوم اخیر را پذیرفته اند.

- i از اسرائیلیان دعوت شده بود به سرزمین موعود وارد شوند (ر.ک اعد ۱۳:۳۰-۱۴:۹-۷:۱۰-۱۱:۲۹). پیام نیکوی انجیل که از ایمانداران دعوت می‌نماید به ملکوت خدا وارد شوند، در اینجا با آن دعوت مقایسه شده است.

- j ر.ک ۱۱:۱۳-۱۲:۱. در نسخه دیگری: زیرا در شنوندگان ایمان نفوذ نکرده بود، نسخه دیگر: زیرا به وسیله ایمان با شنوندگان سخن آمیخته نشده‌اند.

- k مز ۹:۱۱؛ ر.ک عبر ۱۱:۳ و ۵:۴.

- l پید ۲:۲. در مقایسه و سنجهش با پید ۲:۲، نویسنده معنی عبارتی را که در مزمور آمده است بررسی و تشریح می‌نماید. این آرامش را می‌توان به معنی سعادت زمینی درک نمود که خدا به آن برکت می‌دهد. نویسنده آن را با زندگی خدا ارتباط داده و تفسیری «آسمانی» تلقین می‌کند. ر.ک ۳:۱.

دل را تشخیص می دهد<sup>۱۳</sup>. و در مقابل او آفریده ای نامرئی وجود ندارد<sup>۱۴</sup>: بلکه همه چیز عربیان و بی پرده است<sup>t</sup> به چشمان آن که باید به او حساب پس بدهیم.  
روم ۱۲:۱۴

**پیوستن به مسیح، کاهن اعظم**  
<sup>۱۴</sup> چون کاهن اعظمی کبیر داریم که آسمانها را پیموده، یسوع ، پسر خدا است، پس اصول ایمان خود را محکم نگهادیم<sup>۱۵</sup>.  
<sup>۱۵</sup> زیرا کاهن اعظمی نداریم که نتواند به ناتوانی های ما دلسوزی کند، بلکه از هر حیث به مانند [ما] تجربه دیده است غیر از ۱۸-۱۷:۲  
 گناه<sup>۷</sup>. <sup>۱۶</sup> پس با اطمینان به سوی تخت فیض پیش برویم تا رحمت دریافتہ و فیض کمکی را به موقع ببابم.

دلهای خود را سخت مکنید.<sup>m</sup>  
<sup>۸</sup> زیرا اگر یوشع به ایشان آرامش داده بود، بعد از آن [خداد] از روز دیگری سخن ۲۵:۱۰ نمی گفت<sup>n</sup>. <sup>۹</sup> بنابراین برای قوم خدا استراحت سبب باقی می ماند.<sup>۱۰</sup> زیرا آنکه در آرامش او وارد می شود، خودش هم از کارهایش آرامش می گیرد چنانکه خدا از کارهای خود [آرامش گرفت]<sup>۱۱</sup>.  
<sup>۱۱</sup> بنابراین کوشش کنیم در این آرامش وارد شویم تا مبادا کسی در آن نافرمانی عبرت آمیز سقوط کند<sup>p</sup>.  
<sup>۱۲</sup> زیرا سخن خدا زنده و فعال است، و افس ۱۷:۶؛ ۱۶-۱۵:۱۸ بُرْنَدَه ترا از هر شمشیر دو دم<sup>۹</sup> و تا جدا کردن روح از جان، مفاصل و نیز مغز استخوانها نفوذ می کند و نیت ها و افکار ار ۱۰:۱۷

- مز ۹:۹-۸؛ ر. ک عبر ۳:۷-۸؛ ر. ک عبر ۳:۱۵.

<sup>n</sup>- بنا به نظریه معمولی، ورود به سرزمین کنعان برای اسرائیلیان ورود در آرامش و استراحت بود (ر. ک یوشع ۴:۲۲؛ ۴:۲۱). نویسنده با استدلال و تفسیر ماهرانه از این نظریه فراتر می رود. چون در این مزمور که مدت‌ها پس از تصرف کنعان سروده شده به طور ضمنی درک می شود که آرامش خدا هدفی است که هنوز حاصل نگردیده است و نویسنده چنین نتیجه می گیرد که ورود اسرائیلیان به کنunan ورود در آرامش خدا نبوده و تحسم قبلي آن می باشد.

<sup>o</sup>- این بند را اکثرأ به عنوان اشاره به ورود هر فرد مسیحی به آسمان درک می کردد ولی بهتر می توان تفسیر کرد که منظور ورود خود مسیح می باشد (ر. ک ۱۴:۴؛ ۲۴:۹) و منظور آرامش او است (ر. ک ۱۰:۱۱-۱۳).

<sup>p</sup>- گاهی ترجمه می کنند: تا کسی به همین گونه سرمتش نافرمانی نشده و سقوط نکند. ترجمه دیگر: تا همین نمونه نافرمانی کسی را به سقوط نکشاند.

<sup>q</sup>- هشدار در مورد بی ایمانی با یادآوری جنبه داوری سخن خدا پایان می یابد. ر. ک ۱۲:۴۸.

<sup>r</sup>- ترجمه و تفسیر دیگر: تا به حد تقسیم روح از جان. نویسنده بین جان که اصل زندگی مادی و نفسانی است و روح که مایه زندگی معنوی است تفاوت قابل است (ر. ک ۱-۲:۲۳:۵؛ ۱۴:۲-۱-قرن ۴۵:۱۵-۴۶:۱۵).

<sup>s</sup>- در این جمله طرز بیان در زبان یونانی به طوری است که ضمیر او ممکن است مربوط به خدا یا سخن باشد، لذا مفهوم عبارت تا اندازه ای مبهم است.

<sup>t</sup>- ترجمه تحت الفظی: تحت تسلط و گردنش گرفته شده. فعل یونانی که در اینجا آمده در مورد کشتی گرفتن بکار می رود، موقعی که گردن رقیب خود را بگیرند به طوری که نتواند تکان بخورد یا وقتی که می خواهند حیوانی را ذبح نمایند و اورا محکم نمایند.

<sup>u</sup>- نویسنده گاهی می گوید که مسیح رفته و در آسمانها جلوس کرده است (۸:۱؛ ۲۴:۹؛ ر. ک ۱۱:۴؛ ۱-پاد ۸:۳۰-۳۹) و گاهی می گوید در ماوراء آسمانها. (در اینجا و ۲۶:۷؛ ر. ک مز ۸:۲؛ ۱۱۳:۲؛ ر. ک مز ۲:۸). صورت مختلف این اظهارات نشان می دهد که نبایستی آنها را به معنی مادی و فیزیکی سفر کیهانی درک نمود (در مورد آسمان کیهانی ر. ک ۱۰:۱-۱۲:۲؛ ۲۶:۱؛ ۲۷-۲۶:۲؛ در این عبارات شکوهمندی مسیح برخاسته از مرگ که موضوعی روحی است بیان می شود (ر. ک ۱-۱۰:۱؛ ۱۵:۱۵-۴۴:۱۵). این شکوهمندی در نزد خدا به مسیح اقتدار کامل می دهد، که تکیه گاه مستحکمی برای ایمان است. ر. ک ۳:۱-۶.

<sup>v</sup>- تجربه های زمینی بسیع، اورا به آدمیان نزدیک کرده و پایه اعتماد آدمیان شده است. این تجربه ها ضمناً اورا از خدا دور

## مسیح، کاهن اعظم مشفق

۳:۸:۱۰، ۵:۵

۵

<sup>۱</sup> زیرا هر کاهن اعظمی<sup>w</sup> از بین

انسان‌ها گرفته شده، برای انسان

ها تعیین گردیده است در ارتباط به خدا، تا

هدایا و قربانیهایی برای گناهان تقدیم

نماید. <sup>۲</sup> می‌تواند نسبت به نادانان و

<sup>۱۸-۱۷:۲</sup> گناهان<sup>x</sup> مدارا<sup>۳</sup> نماید، چون هم خودش از

۲۸:۷ ناتوانی احاطه شده است، <sup>۳</sup> و بدین سبب

می‌باید [قربانیهایی] برای گناهان تقدیم

کند، پس هم برای خودش چنانکه برای

قوم<sup>z</sup>. <sup>۴</sup> و هیچ‌کس برای خود چنین

افتخاری قایل نمی‌شود بلکه مثل هارون<sup>a</sup>

نیز بوسیله خدا خوانده می‌شود.

<sup>۵</sup> به همین گونه نیز مسیح به خود افتخاری

قایل نشده است که کاهن اعظم شود؛ بلکه

اوست که به وی گفته است: تو پسر منی؛

من تو را امروز تولید کرده‌ام<sup>b</sup>

<sup>۶</sup> چنانکه [باز] هم در جای دیگر

می‌گوید: تو همواره برابر طبقه ملکی‌صدق<sup>c</sup>

۲۸-۱۷:۷ کاهن هستی. <sup>۷</sup> او<sup>d</sup> در روزهای بشریت

نکرده‌اند بلکه برعکس او را تا خدا بالا برده‌اند زیرا یسوع به گناه تسليم شده است. ر.ک: ۲۶:۹؛ ۱۳:۸؛ ۴۶:۸؛ ۲-قرن

۵:۱-۵:۳ یو.۵. به این ترتیب مسیح که نزدیک به آدمیان و نزدیک به خدا است، مسیح شکوهمند کاهن اعظم کامل است.

۶-برطبق نوشته‌های عهد عتیق وظایف کهانت سه جنبه اساسی دارد: ۱- کاهن کسی است که جزو خانه خدا بوده و اجازه دارد

به باری تعالیٰ نزدیک شود (خروج ۴۳:۲۸؛ اعد ۱۱:۸؛ ۳:۰-۲۹)؛ کاهن به خدا مراجعه کرده، نیات و قوانین او را اعلام

می‌نماید (تث ۳:۳۳ و بندهای بعدی؛ لاو ۱۱:۱؛ ملا ۷:۲؛ ۳- قربانی‌ها تقدیم می‌کند (لاو ۴:۹؛ وغیره).

دو وظیفه اولی که شرکت در شکوه و اقتدار خدا است به چهره موسی واپسی بوده است (عبر ۱:۳)؛ و این مشخصات با مسیح که

به آسمان صعود کرده است کاملاً تطبیق داشته و صدق می‌کند (۱۴:۴؛ ۲-۱:۸).

در اینجا نویسنده به جنبه سوم وظایف کاهن برداخته و آن را به چهره هارون منسوب می‌کند، ضمناً در مورد جنبه بشري کهانت که

با گناهان آدمیان ارتباط دارد تأکید می‌نماید. در اجرای آین تقدیم قربانی همبستگی عمیق کاهن اعظم و آدمیان در مقابل خدا

بیان می‌شود.

۷- بنابر اعد ۱۵ ۳۱-۲۲ فقط گناهانی بوسیله تقدیم قربانی بخشیده می‌شود که بدون آگاهی کامل مرتكب شده باشد و گناهان

دیگر معمولاً موجب هلاک گناهکار می‌شوند. ولی این تمایز در لاو ۱۶:۱۶، ۳۴ تصريح نشده است. وانگهی که بر اثر نادانی

مرتكب شوند ممکن است به معنی خلیل وسیعی در ک گردد. ر.ک لو ۳:۲۳؛ اع ۱۷:۳.

۸- کلمه یونانی که مدارا ترجمه شده است در اینجا به معنی داشتن احساسات معتدل است؛ در جاهای دیگر همین کلمه در مورد

خویشتن داری و تسلط بر نفس به هنگام انده یا خشم بکار می‌رود.

۹- مشارکت کامل کاهن اعظم با بشریت بدین وسیله تأکید می‌شود که بایستی برای خودش هم قربانی تقدیم نماید (لاو ۸-۷:۹؛ ۶:۱۶).

۱۰- شرایط نیل به مقام کهانت داشتن حالت فروتنی و تبعیت در مقابل خدا است. خدا کسانی را که مدعی بودند مقام کهانت را

کسب کرده‌اند تا از آدمیان دیگر برتر باشند طرد کرده بود (اعد ۱۷:۱۶).

۱۱- مز ۷:۲؛ همین متن قبلاً در ۵:۵ نقل شده است.

۱۲- مز ۱۱:۴. اولین بند این مزور در مورد تاج گزاری مسیح و در عبر ۳:۱ و ۱۳:۱ نقل شده است (ر.ک به یادداشت‌های این

دو بند). در بند ۴ اظهار شده است پادشاهی که تاج گزاری کرده بوسیله خدا به عنوان کاهن نامیده شده است. منظور از برابر

طبقه ملکی‌صدق یعنی جزو طبقه و نظام کاهنان ملکی‌صدق.

۱۳- بندهای ۷ الی ۱۰ محتوی خلاصه‌ای از شناخت مسیح است. در این بندها مصائب مسیح و صلیب به صورت تضرعی تقدیمی

توصیف شده است که با احترام به اراده خدا آمیخته است؛ ر.ک جتسیمانی، مت ۳۹:۲۶ و متون مشابه در انجیل‌های دیگر.

نویسنده در عین حال اظهار می‌کند که این نیایش مستجاب شده است و لازم بوده که مسیح رنج کشیده و فرمانبرداری نماید.

مستجاب شدن نیایش عبارت از تغییر حالتی است که با وجود مرگ و درخلال آن انجام گرفته است، به طوری که در سرود

شناخت مسیح در فی ۱۱-۶:۲ آمده است فرمانبرداری مسیح منجر به شکوهمندی شده است ولی در اینجا با کلمات و عبارات

شنبیدن کاھل شده اید.<sup>۱۲</sup> حال آنکه نیز زمان  
بایستی شما را استاد می کرد، زیرا باز نیاز  
دارید نخستین عناصر الہامات خدا را به شما  
بیاموزند و نیازمند به شیر شده اید، نه غذای  
جامد،<sup>۱۳</sup> زیرا کسی که [هنوز] سهمیه شیر  
دارد نسبت به کلام عدالت<sup>k</sup> ناآزموده است،  
چون کودک است.<sup>۱۴</sup> اما غذای جامد برای  
کاملان است، حواس ایشان بر اثر ممارست  
ورزیده شده تا خوب را از بد تشخیص دهد.

<sup>۱</sup> بدين سبب، سخن او لیه<sup>۱</sup> درباره

## ۶

مسیح را گذاشته و به آنچه کامل  
است بپردازیم، بدون اینکه مجددًا پایه را  
بر<sup>m</sup> توبه از اعمال مرگ و ایمان به خدا

مز ۲۵:۲۲؛ خود<sup>e</sup> نیایش‌ها و تصرّعاتی با فریاد بلند و  
مت ۴:۲۷؛ اشکها تقدیم کرد، به آنکه می‌توانست از  
بی ۲۷:۱۲؛ مرگ نجاتش دهد؛ و به دلیل تقوایش<sup>f</sup>  
۲۱:۶۸؛ مستجاب گردید.<sup>۱</sup> هر چند پسرش بود، از  
فی ۱۹:۲؛ مشقت‌هایی که کشید اطاعت آموخت<sup>g</sup>؛ و  
روم ۵: رومان یافته<sup>h</sup>، برای تمام آنانکه از او  
کمال یافته، فرمانبرداری کردند، موجب نجات جاودانی  
فرمانبرداری کردند، موجب نجات جاودانی  
۳:۸ شد،<sup>۱۰</sup> بوسیله خدا به عنوان کاهن اعظم  
طبقه ملکی‌صدق اعلام گردید.<sup>i</sup>

## بررسی درباره زندگی مسیحی

<sup>۱۱</sup> در این مورد، سخن طولانی داریم و  
دشوار بتوان توضیح داد، زیرا شما برای

کهانت بیان می‌گردد: بدين معنی که به جای پرستش و تعظیم به عنوان خداوند (فی ۱۱:۲) مسیح چون آزادی بخش و  
نجات بخش شناخته شده و کاهن اعظم اعلام گردیده است.  
۶- در روزهای جسم خود.

- ترجمه تحت الفظی: ترس احترام آمیز او. ترجمه دیگر: فرمانبرداری او.

- ترجمه تحت الفظی: بوسیله چزهایی که تحمل کرد فرمانبرداری آموخت. در متن یونانی کلمات رنج کشیدن و فرمانبرداری کردن  
موزن و هم قافیه هستند بدين سبب در ترجمه فارسی کلمات مشقت و اطاعت انتخاب شده است که با هم موزن هستند.

- ترجمه دیگر: و تا به تمامیت خود هدایت شد (ر.ک ۱۰:۲). کلمه یونانی که در این مورد بکار برده شده به دو گونه در ک  
می شود. بدواً تغییر عمیقی را بیان می کند یعنی: بنا به اراده خدا، بوسیله فرمانبرداری مسیح، طبیعت بشری در محک مصائب  
ذوب شده است ر.ک ۱۰:۹-۱۰. ولی همین کلمه یادآوری نیل به مقام کهانت است زیرا در ترجمه یونانی کتاب مقدس  
(هفتادتنان) به این معنی آمده است (ر.ک خروج ۲۹:۸؛ لاو ۸). ضمناً تمامیت یافتن و کمال مسیح بوسیله مصائب شرطی  
کهانت او است.

- این اعلام نهایی نکته‌های اصلی و مرکزی نامه را اعلام می نماید که به ترتیب در ۲۸:۷؛ ۲۸:۶؛ و ۲۰:۶ ذکر گردیده و در  
فصلهای ۹-۸، ۱۰ و ۷ تشریح شده است.

- چنین به نظر می‌رسد که دشواری کار به سبب پیچیدگی موضوع نبوه بلکه عدم علاقه و پژوهش روحی مخاطبان می‌باشد. زیرا  
نویسنده ایشان را با کودکان شیرخوار مقایسه کرده است و امیدوار است بالغ شوند. پولس رسول در مورد قرنیتان نیز همین  
تصویر را بکار برده است که تصویری عادی در آن دوران بوده است (۱-قرن ۲:۶، ۱۴:۱۶، ۱۳:۲-۱). ظاهرًاً مخاطبان نامه به  
عبرانیان از مدت‌های پیش به کلیسا تعلق داشته‌اند ولی به جای اینکه به نوگرایان به مسیحیت آموخت دهنده کمتر از ایشان برای  
پیشرفت در زندگی مسیحی جدیت دارند.

- ترجمه دیگر: استدلال در مورد آنچه مقرر به عدالت است. بعضی از مفسران تصور می‌کنند این اصطلاح درباره نظریه و  
عقاید مذهبی است که مختص مسیحیان کامل می‌باشد و نویسنده می‌خواهد ارائه نماید.

- با اینکه مخاطبان استعداد زیادی ندارند با این همه نویسنده به برسی و پژوهشی می‌پردازد که در نتیجه آنان را از نظر ایمان  
به مرحله بلوغ و کمال برساند.

- آغار شش فصل این نامه آموخت منهنجی مهم و اساسی دربردارند که عبارت از این است: توبه از اعمال مرگ در درجه اول  
اهمیت قرار دارد. برطبق مقاد بند ۱۸:۹، خون مسیح ما را از اعمال مرگ تصفیه و پاک می‌نماید تا بتوانیم به خدای زنده  
خدمت کنیم. منظور از اعمال مرگ، اعمالی است که با زندگی واقعی تطبیق ندارند و اعمال بی حاصل ظلمات هستند (افس  
۱۱:۵؛ ر.ک روم ۸:۶، ۱۳:۸؛ غلا ۱۹:۵).

زراعت کرده محصول مفید ببار می آورد، سهم برکت خود را از خدا دریافت می نماید؛<sup>۸</sup> اما اگر خار و خس تولید کند بی ارزش و قریب پیدا شوند.<sup>۹</sup> این را ملعت است که پایان آن سوختن است.

<sup>۱۰</sup> با اینکه چنین سخنانی گفتیم، اما ای محبوان، درباره شما [به دریافت] چیزهای بهتر و قرین به نجات، مقاعدیم.<sup>۱۰</sup> زیرا خدا بی انصاف نیست که عمل شما را فراموش کند و محبتی که برای نام او ابراز کرده اید و خدمتی که به مقدسان<sup>۱۱</sup> کرده و باز هم می کنید.<sup>۱۱</sup> اما میل داریم هر یک از شما همان جدیت را برای تضمین تمامیت<sup>۱۰</sup> ۲۳:۱۰ امید تا پایان ابراز نمایید.<sup>۱۲</sup> به طوری که کاهل نشوید اما از آنان که بوسیله ایمان و ۱-قرن<sup>۱۱</sup> ۹-۷:۱۱ صر وارث و عده ها هستند تقلید کنید.

n- آنچه موجب شگفتی است، کلمه تعییدها به صورت جمع آمده است. آیا اشاره به مراسم تظہر و شست وشوہابی است که یهودیان و مشرکان انجام می داده اند؟ آیا منظور مجموعه اعمالی است که قبل و بعد از تعیید مسیحی انجام می شود؟ با اینکه اگر آپلس نویسنده نامه به عبرانیان باشد، منظور او تعیید یوحنا و تعیید مسیحی می باشد؟ ر.ک ۲۵:۱۸-۵:۱۹. o- قرار دادن دست ها، ارتباط یافتن با روح القدس است (اع ۱۷:۸؛ ۱۹:۶؛ همچین ر.ک ۱-تیمو ۴:۱۲-۵:۲۲). p- دریافت نور اشاره به روشن شدن ایمان است (افس ۱:۱۳:۵؛ ۹:۳؛ ۱۸:۱) و شاید با تعیید ارتباط دارد؛ موهبت آسمانی ممکن است یادآوری شرکت در شام آخرین یسوع باشد.

q- نیروهای جهان آینده هم اکنون در جمیعت مسیحیان بکار هستند و دخالت این نیروها گواه برآست که قربانی شدن مسیح اوضاع زندگی پیشریت را به کلی دگرگون کرده است؛ دوران جدیدی آغاز شده است (ر.ک ۱:۹؛ ۲:۱). r- ترجمه این عبارت به طور کلی که در بالا آمده با نظریه ای که در ۲۹:۱۰ ذکر می شود تطبیق می کند ولی این عبارت را به طرز دیگری نیز ترجمه و تفسیر می نمایند غیرممکن است بار دیگر به تحديد و تحول دست یابند زیرا برای توبه خود، بسر خدا را دوباره به روی صلیب گذاشته و در معرض ناسزاها قرار می دهند. این طرز ترجمه با آنچه ۲۸-۲۵:۹ و ۱۰-۲۶ آمده است مطابقت می نماید. لازم به یادآوری است مفسران در تفسیر این عبارت متفق القول نیستند و اختلاف نظرهایی وجود دارد. ر.ک مقدمه.

به هر صورت در این عبارت طولانی غیرممکن بودن توبه دوم مطرح شده و با اینکه به صراحت اظهار نگردیده است وضعیت تیره و تاریکی ارائه می شود ولی در اینجا موضوع اصول آیین مطرح است و نه داوری درباره مجرمان است بلکه فقط پند و اندرزی است که هشدارهای شدید دربر دارد، وانگهی در پایان نامه برکت دادن بر فرین و لعنت می چرید (۹:۶) و نویسنده نامه تصریح می کند که نسبت به مخاطبان نظریه مثبت و موافقی دارد و فقط مابال است ایشان را علیه سستی احتمالی تقویت نماید زیرا ترتیب این ناتوانی ممکن است غیرقابل ترمیم گردد.

s- در بندهای ۷:۶-۸ نویسنده دو نوع وضعیت خوب و بد را با یکدیگر مقایسه می نماید و در اینجا در مورد وضعیت بهتر بحث می کند. مجددا در ۱۲:۶ که از وارث و عده ها سخن می گوید به این نکته اشاره می نماید.

t- قدیسان اصطلاحی معمولی برای تعیین پیروان مسیحی است. پولس رسول این اصطلاح را بارها بکار برده است (ر.ک روم ۱۳:۱۵؛ ۱۵:۱۵). این کلمه گاهی در مورد اعضای کلیسا ای او رشیم بکار رفته و به اعضای کلیسا نایه یهودا گسترش بافته است (مثالاً ۱۲:۹-قرن ۲:۱۵؛ روم ۲۶:۱۵) در این صورت عنوانی افتخاری است و مقامی را که این کلیسا در جامعه مسیحیان یعنی کلیسا مسیح دارد تعیین می نماید.

بگذاریم،<sup>۲</sup> و برآموزش تعییدها<sup>n</sup> دست گذاشتمن<sup>۰</sup>، رستاخیز مردگان و داوری جاودانی.<sup>۳</sup> و این را انجام خواهیم داد اگر خدا اجازه دهد.

۲۶:۱۰ <sup>۴</sup> زیرا غیرممکن است کسی یک بار نور را دریافته<sup>p</sup>، و موهبت آسمانی را چشیده و در روح القدس سهیم گردیده،<sup>۵</sup> و سخن نیکوی خدا را چشیده، و نیروهای جهان آینده را دریافته باشد<sup>۶</sup>،<sup>۷</sup> با این همه سقوط کرده و [دوباره] توبه خود را تجدید نماید. زیرا بدینسان خودشان پسر خدا را [دوباره] بر روی صلیب گذاشته و در معرض ناسزاها قرار می دهند.<sup>r</sup>

<sup>۷</sup> زیرا زمینی که بارانی را که بارها برآن می افتد، جذب می کند و برای آنان که نیز

آورده ایم تا در امیدی که به ما عرضه شده است، پابرجا باشیم.<sup>۱۹</sup> [این امید را]<sup>x</sup> ۲۳:۱۰ همچون لنگری برای جان داریم که مطمئن و استوار است و بر درون پرده<sup>y</sup> نفوذ می کند، ۱۲:۲۱۶ لاؤ۱۰ در آنجایی که یسوع چون پیشوایی برای ۲۴:۹:۱۴:۴ ما وارد شده و کاهن اعظم جاودانی در طبقه مليکصدق<sup>z</sup> گردیده است.

### ملکیصدق

<sup>۱</sup> زیرا این ملکیصدق<sup>a</sup>، پادشاه پیدا شد ۲۰:۱۷:۱۴ سالیم، کاهن خدای متعال، به ملاقات ابراهیم رفت و قتی که او از شکست دادن پادشاهان برمی گشت و او را برکت داد،<sup>b</sup> و ابراهیم دیک همه چیز را برای او کنار گذاشت، آن که نامش اول ترجمه شده پادشاه عدالت و همچنین پادشاه سالیم یعنی پادشاه صلح است،<sup>c</sup> بدون پدر<sup>d</sup>، بدون

### وعده خدا و امیدواری

<sup>۱۳</sup> زیرا وقتی خدا به ابراهیم وعده می داد روم ۴:۲۰؛ چون بوسیله شخصی بزرگتر نمی توانست پیدا شد<sup>e</sup> سوگند یاد کند بوسیله خود سوگند یاد کرده،<sup>f</sup> گفت:

هر آینه تو را مسلمًا برکت خواهم داد  
و تو را بسی افروزن خواهم کرد<sup>g</sup>:  
<sup>۱۵</sup> و بدین سان [ابراهیم] با صبر، وعده  
بدست آورد.<sup>۱۶</sup> چون انسان ها بوسیله  
بزرگتر سوگند می خورند و هر مرافعه بین  
ایشان با تأیید سوگند پایان می یابد؛  
<sup>۱۷</sup> بدین سبب خدا که خواسته است  
تغییرناپذیری نیت خود را به وارثان وعده  
نشان دهد، سوگند در میان قرار داد<sup>۷</sup>، تا  
اعده<sup>۹</sup> ۳۶:۱۰:۱۵:۹ به وسیله دو چیز<sup>h</sup> تغییرناپذیر که ممکن  
نیست خدا در آنها دروغ بگوید، تسلای  
خاطر نیرومندی داشته باشیم، ما که پناه

- پیدا ۱۷:۱۲ یونانی.

- ترجمه تحت الفظی: خود را واسطه قرار داد. ر. ک. یادداشت بعدی.

- این دو چیز عبارت از وعده خدا و سوگند خدا است. بدین طریق، خدا هم شاهد و هم ضامن وعده خود می شود.

- ر. ک. ۱:۲. لنگر مظہر امیدواری و تصویر معمولی در ادبیات یونانی است. نمونه هایی از آن در دخمه های مقابر کشف شده است که نشان می دهد لنگر را به عنوان مظہر مسیحیت بکار می برده اند.

- منظور پرده معبد است که قسس القداس را می پوشاند. ر. ک. ۳:۹. در اینجا به مدخل درگاه خدا می اندیشد. ر. ک. ۲۴:۹:۲۰:۱۰.

- این بند یادآوری موضوعی است که در ۱۰:۵ پایان می یابد و موضوعی را اعلام می نماید که در بند ۱:۷ آغاز می شود و نقش اصلی را ملکیصدق دارد.

- بند اول این فصل با عبارتی و با ذکر نام ملکیصدق آغاز می شود و در بند ۱۰:۷ با عبارتی در همین باره پایان می یابد. این روش وارد کردن یک موضوع به صورت «جمله معتبره» در کتاب مقدس نادر نیست و مخصوصاً در نامه به عیرانیان به دفعات این روش بکار برده شده است.

- در اینجا نویسنده به روایت پیدا ۲۰:۱۷:۱۴ اشاره می کند و برای قسمت دوم مطالب خود (۷:۱۱-۲۸) نکته ای را که در مز

- آمده است نقل می نماید: برابر طبقه ملکیصدق.

- برطبق یکی از اصول تفسیری کاهنان یهود، نویسنده نکاتی از روایت پیدا ۱۴ را که حذف شده یا به سکوت برگزار گردیده است یادآوری کرده و بر آنها تأکید می نماید تا از چهره عمامی و پیامبرانه ملکیصدق تصویری در ماوراء زمان و تاریخ ترسیم نماید و در این تصویر نجسم قبلی یسوع مسیح را تشخیص می دهد.

[آنکه] پایین تر است بوسیله بالاتر تبریز  
می شود.<sup>۸</sup> و فی الواقع در اینجا انسان های  
فنایذیر دیک دریافت می کنند؛ اما در  
آنچا کسی که گواهی شده زنده است  
[دریافت می نماید].<sup>۹</sup> مثل اینکه گویا  
می توان گفت بوسیله ابراهیم نیز از لاوی  
که دیک می گیرد، دیک گرفته شد؛  
زیرا هنوز در کمر<sup>۱</sup> جد خود بوده وقتی که  
ملکیصدق به ملاقات او آمد.

### کاهن اعظم به طریقہ ملکیصدق<sup>۶:۸</sup>

<sup>۱۱</sup> پس حقیقتاً اگر کهانت لاویان به کمال  
رسیده بود لـ زیرا قانونی که به قوم داده

۱۶:۷ مادر، بدون تبار، بدون ابتدای ایام نه  
پایان زندگی دارد، بلکه به پسر خدا<sup>d</sup> شبیه  
شده و همواره کاهن<sup>e</sup> می ماند.  
<sup>۴</sup> ببینید<sup>f</sup> چه بزرگ است آنکه ابراهیم  
پاتریارخ<sup>ff</sup> دیک از بهترین غنیمت را به  
او داد!<sup>۵</sup> و آنانکه پسران لاوی بوده و  
کهانت دریافت می کنند دستور دارند  
برطبق قانون [تورات] از مردمی یعنی از  
برادران خود دیک بگیرند، با اینکه  
ایشان از کمر ابراهیم بیرون آمده اند<sup>g</sup>.  
<sup>۶</sup> اما او که از تبار ایشان نیست ابراهیم را به  
پرداخت دیک ملزم کرد و دارندۀ وعده ها  
را برکت داد.<sup>۷</sup> و بدون هیچ اعتراض<sup>gg</sup>،

d- در متونی که در غارهای قمران کشف شده چند قطعه مهم وجود دارد که حاکی از نفوذ چهره ملکیصدق در آن دوران است. در یکی از این متون که تفسیر تورات است (میدراش) و در غار شماره ۱۱ پیدا شده است کلمه ملکیصدق به روشنی خوانده می شود. به نظر بعضی از نویسنده‌گان این مطالب در مورد ملکیصدق به عنوان موجودی خدایی، منجی آسمانی است و چهره میکائیل فرشته را به یاد می آورد.

موزخ یهودی یوسفوس برای بوحنا هیرکان عنوان «کاهن خدای متعال» قائل شده است (که ملکیصدق را به یاد می آورد).  
(جلد ۱۶ تاریخ یهود ۲:۶).

e- کتاب مقدس برای کهانت ملکیصدق زمان محدودی قابل نشده و این نکته وی را از کهانت کاهن اعظم یهود که وقتی می میرند کهانت ایشان پایان می یابد متمايز می کند (اعد ۲۰-۲۴:۲۰-۲۸). همین موضوع در مورد کهانت مسیح برخاسته از مرگ صدق می نماید. بدین سبب نویسنده در این مورد خیلی اصرار و تأکید می کند. ۲۳:۷، ۱۵:۱۷، ۷:۸.

f- در بندهای ۷:۴-۱۰ نویسنده از موضوع دریافت دیک که ملکیصدق از ابراهیم گرفته است استفاده نموده تا برتری کهانت او را بر لاویان که از تبار ابراهیم هستند ثابت نماید. در توضیحات بعدی (۱۱:۷-۲۸) که همانندی مسیح با ملکیصدق بوسیله مز ۱۱:۴ گواهی می شود چنین استدلال و تتبیجه گیری خواهد کرد که چون مسیح از طبقه ملکیصدق است بنابراین کهانت او برتر از کهانت لاویان می باشد.

ff- یهودیان، پیشوایان مذهبی خود را، از ابراهیم تا موسی که عمر طولانی می کردنده به عنوان پاتریارخ می نامیدند. این کلمه را می توان اسقف ایالتی، پدر طایفه، شیخ وغیره ترجیمه نمود. امروزه سران کلیسا را در کلیساهاشی شرقی به این عنوان می خوانند.

g- ترجمه دیگر: که از نسل ابراهیم هستند. ر. ک ۱۰:۷.

gg- ترجمه دیگر: بدون هیچ تناقض، بدون هیچ مناقشه، یعنی شکی نیست که...

h- در روایت پید ۲۰:۱۴ نخستین باری است که موضوع پرداخت دیک به کاهن ذکر شده است.

i- کلمه یونانی را که به فارسی کسر ترجمه کرده ایم اصلاً به معنی کلیه ها است. در دوران کهن کلیه ها را مرکز قدرت جسمانی می دانستند و تصور می کردند تمام نسل آینده هر مرد در کلیه های او جای دارد. ر. ک پید ۱۱:۳۵-۱:۱۱، ۸:۹ و چون ملکیصدق از ابراهیم دیک گرفته است برتری خود را نسبت به تمام نسل ابراهیم که هنوز به صورت نطفه در کلیه های او بوده تأیید کرده است.

j- کلمه یونانی که به کمال رسیدن ترجمه شده است در اسفرار بینچگانه تورات همیشه به معنی اجرای مراسم تقدیس کاهن لاوی بکار برده می شود (ر. ک ۹:۵ h). نویسنده با توجه به مقاد مزمور ۱۰ که در آن نوع دیگری از کاهنات اعلام شده است در بکار بردن این کلمه برای مراسم تقدیس کاهن اعراض کرده و اظهار می نماید که مراسم تقدیس لاویان شایسته نام به کمال رسیدن نیست و لذا جای آن را کهانت بهتری گرفته که کهانت مسیح است زیرا تها کاهن اعظم واقعاً کامل است. (۲۸:۷).

<sup>۱۸</sup> بدین سان حقیقتاً دستور قبلی به دلیل روم ۷:۱-۳ ناتوانی و بیهودگی آن منسخ گردیده است. <sup>۱۹</sup> زیرا قانون [تورات] هیچ چیز را به کمال نرسانیده و امید بهتری آورده که به وسیله آن به خدا نزدیک شویم. <sup>۲۰</sup> و تا آنجا که <sup>n</sup> بدون یاد کردن سوگند <sup>۲۱</sup> [این امر انجام نشود] زیرا آنان حقیقتاً بدون یاد کردن سوگند کاهن شده اند، <sup>۲۲</sup> اما با یاد کردن سوگند، بوسیله آنکه به او گفته است: خداوند سوگند خورده و از آن برخواهد گشت: تو جاودانه کاهنی<sup>۰</sup>، <sup>۲۳</sup> بنابراین یسوع نیز <sup>p</sup> ضمناً پیمان بسیار بهتری شده است. <sup>۲۴</sup> و فی الواقع آنان [به تعداد] زیاد کاهن <sup>۲۵</sup> شده اند زیرا مرگ مانع از ماندن <sup>pp</sup> ایشان می شد؛ <sup>۲۶</sup> اما او چون که جاودان می ماند <sup>۲۷</sup> او کهانت انحصاری<sup>۹</sup> دارد. <sup>۲۸</sup> و بدین سبب می تواند کسانی را که به وسیله او به سوی خدا پیش می روند کاملاً نجات

شده برمبنای آن است، چه نیازی [است] به مز ۱۱:۴ اینکه باز کاهن دیگری برطبق طبقه ملکیصدق پیاخیزد و نه اینکه از طبقه هارون نامیده شود؟ <sup>۱۲</sup> چون که اگر کهانت تعییر یابد، به ناچار نیز در قانون هم تعییری حاصل می شود. <sup>۱۳</sup> زیرا کسی که درباره اش این چیزها گفته می شود به قبیله دیگری تعلق دارد که هیچ کس از آن [قبیله] در قربانگاه خدمت نکرده است. <sup>۱۴</sup> چون آشکار است که خداوند ما از یهودا <sup>k</sup> برآمده و برای آن قبیله موسی درباره کاهنان چیزی نگفته است. <sup>۱۵</sup> و بیشتر روشن است اگر به مانند ملکیصدق کاهن دیگری برمنی خیزد، <sup>۱۶</sup> اکه نه برطبق قانون دستور جسمانی<sup>۱</sup> بلکه برطبق نبروی یک زندگی فناناپذیر [کاهن شده است]. <sup>۱۷</sup> زیرا چنین گواهی شده است:

مز ۱۱:۴ تو کاهن جاودانی  
برابر طبقه ملکیصدق <sup>m</sup> هست.

- خداوند ما، نظیر ملکیصدق از خانواده کاهنان نبوده و صریح‌گواهی شده که به قبیله یهودا تعلق داشته است: مت ۱:۲؛ لو ۳:۳؛ مک ۵:۵. تعلق خداوند به قبیله یهودا در این متن تأیید گردیده ولی نمی توان گفت نویسنده نامه به عبرانیان انجیلهای می کنند (روم ۳:۱؛ لو ۲:۱؛ مت ۲:۹-۲؛ تیمو ۸:۲) زیرا داد از قبیله یهودا بوده است.

- ترجمه دیگر: قانون پدر فرزندی بشری.  
- مز ۱۱:۴. ر. ک عبر ۵:۶؛ ۲۰:۶.

- نویسنده پس از اینکه اختلاف و تفاوت دو کهانت را نشان داده (۷:۱۱-۱۹)، اکنون برتری کهانت جدید را یادآوری می کند (ر. ک مقدمه) و برای اثبات این امر دو دلیل ارائه می نماید: یکی اینکه ضمانت خدایی رسمی تراست (۲۰:۷) و دیگر اینکه جاودانی است (۲۳:۷). دلیل اولی در بند ۶:۱۷؛ دلیل دومی (۷:۲۰-۲۲) و دیگر اینکه جاودانی است (۷:۲۳-۲۵). دلیل اولی در بند ۶:۱۷ آماده شده و دلیل دومی در بندهای ۸:۷، ۱۵-۱۷ پیش بینی شده بود.

- نویسنده، بسته به اینکه برچه نکته ای تأکید دارد، نقل قول مز ۴:۲۱ را شرح و بسط می دهد.  
- شخصیت مسیح شکوهمند اور اسلام پیمان قطعی بین خدا و آدمیان می کند زیرا از طرفی خودش یک فرد انسانی است و از طرف دیگر به وسیله خود خدا به عنوان کاهن اعظم تعییر ناپذیر تعیین گردیده است. بنابراین آدمیان از این پس در وجود او ضامن و جوابگویی به نزد خدا دارند.

- pp- بعی مرج مانع از ادامه حیات و ادامه کهانت ایشان می شد.  
- کلمه یونانی که در بالا انحصاری ترجمه شده است درجای دیگری از کتاب مقدس نیامده است. مفهوم این کلمه از نظر ریشه و اشتقاق: کسی که در کنار او نمی توان راه رفت. در ترجمه لاتینی کتاب مقدس (ولگات) این کلمه را همواره و جاودان ترجمه کرده اند.

## کاهن اعظم ما و آیین پرستش زمینی

<sup>۱</sup> اینک نکته سرآمد این گفته‌ها <sup>۱۴:۴؛ ۱:۳</sup>

▲ چنین است که ما کاهن اعظمی داریم که به دست راست تخت کبریا در آسمانها نشسته است، <sup>۲</sup> [همچون] خدمتگزار قدس بنسی <sup>۱۰:۲۴</sup>

و خیمه حقیقی، آنکه خداوند [آن را] برپا کرده است و نه [یک] انسان.<sup>۳</sup> زیرا هر کاهن اعظمی برای تقديم هدایا و قربانیها تعیین شده است؛ بنابراین لازم است [خود] او نیز چیزی برای تقديم کردن داشته باشد.

<sup>۴</sup> پس اگر بر روی زمین بود<sup>۷</sup>، حتی کاهن نبود، چون [کسانی] هستند که برطبق قانون <sup>۸:۱۰</sup> [تورات] هدیه‌ها تقديم نمایند.<sup>۵</sup> و اینان رونوشت<sup>X</sup> و سایه‌ای از چیزهای آسمانی را <sup>۱:۱۰</sup> می‌پرستند، برطبق [آنچه بوسیله] ندای الهی به [موسی خبر داده شد]، هنگامی که <sup>۱۰:۱۳؛ ۸:۲:۹</sup> می‌خواست خیمه را ترتیب دهد؛ زیرا گفت:

نگاه کن،

دهد زیرا همواره زنده است تا به خاطر <sup>۱۴:۴</sup> ایشان شفاعت نماید.<sup>۶</sup> زیرا که چنین کاهن اعظمی شایسته ما است: مقدس، بی‌گناه، بی‌آلایش، جدا از گناهکاران و از آسمانها فراتر شده است.<sup>۷</sup> او که مجبور نیست هر روز به مانند کاهنان اعظم اول <sup>۱۵:۳؛ ۶:۱۶</sup> برای گناهان خود و سپس برای [گناهان] قوم قربانی تقديم نماید؛ زیرا این را یک بار و برای همه با تقديم خود انجام داده است.<sup>۸</sup> چونکه قانون [تورات] انسان <sup>۲:۵</sup> هایی را کاهن اعظم تعیین می‌نماید<sup>۵</sup> که ناتوانی دارند، اما سخن سوگند<sup>۱</sup> که پس از قانون [تورات] است پسری را تعیین نموده که جاودانه به کمال است.

۲- در اینجا منظور از شفاعت فقط تقاضای ساده‌ای نیست که مسیح در روزهای پیشی خود می‌کرد (۷:۵)، بلکه شفاعت اقدام شخصیتی است که کاملاً مجاز به این کار است (ر. ک ۲:۳) و در مورد کسانی که مسئولیت آنان را بر عهده دارد، نزد مقام صاحب قدرت و سلطنت می‌نماید. بنابراین برای شفاعت در نزد خدا هیچکس بهتر از مسیح شکوهمند نیست زیرا به دست راست خدا بر تخت جلوس کرده است (ر. ک روم ۳:۴؛ ۸:۳؛ ۱:۲- یو ۱:۲).

۸- برای بیان دادن به این نتیجه گیری که به دقت انشاء شده است (۲۸-۲۶:۷) در این بند مجددًا تفاوت بین دو نوع کهانت مطرح گردیده ولی بر جنبه مشتب کهانت دوم تأکید می‌شود و موضوع یاد کردن سوگند، جاودانی بودن این کهانت و تمامیت و کمال آن یادآوری می‌گردد (ر. ک ۹:۵).

۴- ترجمه تحت الفظی: سخن یاد کردن سوگند. منظور خدا یاد کرده و دنی ۱۰:۴ ذکر شده است و این موضوع مؤخر بر قانون تورات موسی است. نویسنده دقیق نموده ترتیب توالی لحظات الهام سخن خدا را یادآوری و ذکر کند. ر. ک ۷:۴؛ ۸:۹؛ ۱:۱۰.

۱۱- مجددًا در اینجا دو موضوعی را که در مزمور ۱۱:۱ ذکر شده است باز می‌یابیم که عبارت از جلوس بر تخت سلطنت و کهانت است (ر. ک عرب ۳:۱؛ ۶:۵). نویسنده می‌خواهد نشان دهد که کهانت مسیح بوسیله چه قربانی انجام گردیده است. خیمه واقعی در بند ۱۱:۹ و قدس در بند ۲۴:۹ ذکر و توصیف خواهد شد.

۷- ترجمه تحت الفظی: پس اگر اوروی زمین بود. در آغاز این شرح و توضیح که نسبتاً جنبه منفی دارد، نویسنده از ذکر نام مسیح خودداری می‌نماید و از بند ۱۱:۹ نام او را ذکر خواهد کرد.

W- جزو آداب کهانت زمینی قدیمی، مسیح و هدیه او منظور نشده است. نویسنده در این باره نظر خود را در بند ۲۴:۹ تکمیل خواهد کرد.

X- کلمه بیونانی که در اینجا و همچنین در بند ۲۳:۹ آمده است به معنی نشانه، تصویر و نمونه است.

خداؤند می‌گوید، من هم به ایشان بی توجه بوده‌ام.<sup>a</sup>

<sup>۱۰</sup> زیرا اینک پیمانی با خاندان اسرائیل خواهم بست، پس از این روزها، خداوند می‌گوید قانون‌های خود را در ذهن ایشان خواهم گذاشت

و آنها را بر دلهایشان<sup>b</sup> خواهم نوشت، و من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهد بود.

<sup>۱۱</sup> و هیچ کس به همسایه خود، هیچ کس به برادر خود آموزش نخواهد داد که بگوید: خداوند را بشناس؛ زیرا همگی از کوچکترین تا بزرگترین، ایشان مرا خواهند شناخت.<sup>c</sup>

<sup>۱۲</sup> زیرا برای بی عدالتی‌های ایشان با گذشت خواهم بود و گناهانشان را دیگر به یاد نخواهم داشت<sup>d</sup>.

همه چیز را برطبق نمونه‌ای که روی کوه به تو نشان داده شده خواهی کرد<sup>e</sup>.  
<sup>۶</sup> اما اکنون [کاهن اعظم ما] خدمتی بس برتر دریافته زیرا واسطه پیمانی بهتر است که برمبنای وعده‌های بهتری است.<sup>f</sup>

### اعلام تغییر پیمان

<sup>۷</sup> زیرا اگر نخستین [پیمان]<sup>g</sup> بی نقص بود، جای آن نبود که در جستجوی [پیمان] دوّمی برآیند.<sup>۸</sup> باری آنان را نکوهش کرده می‌گوید: «اینک روزهایی فرا می‌رسند، خداوند می‌گوید و با خاندان اسرائیل و با خاندان یهودا پیمان جدیدی برقرار خواهم کرد،<sup>۹</sup> نه برطبق پیمانی که با پدر انشان بستم، روزی که دست ایشان را گرفتم تا از سرزمین مصر بیرون آیند زیرا ایشان در پیمان من باقی نمانده اند،»

۴۰:۲۵-۴۰:۲۵. در اینجا عبارات و انشاء نویسنده تا اندازه‌ای پیچیده است. زیرا از یک طرف شباهت بین زمین و آسمان را ذکر کرده و یادآوری می‌نماید که حقایق آسمانی مقدم بر امور زمینی و کامل تر از آنها بوده و به عنوان نمونه جیرهای هستند که در روی زمین اجداد شده‌اند. ولی مقایسه و شباهتی در جهت مخالف نیز ذکر می‌کند، مقایسه بین طرح اولیه امور زمینی و تحقیق قطعی آنها که بعداً و مؤخر بر آن است (ر.ک ۱۰:۱۰).

ذکر این دو نوع وضعیت مختلف که یکی جنبه متعادل داشته، هرچه را خدایی است نمونه و الگوی هر حقیقتی می‌شمارد و وضعیت دیگر که جنبه فعل دارد و علاقمند به مراحل متوالی تاریخ نجات است از مشخات نامه به عبرانیان است (ر.ک ۱۱:۱۰. ر.ک مقدمه).

در تشریح و توضیحاتی که بعداً می‌آید مقایسه و تشییه اولی در مورد قدس و یا قفس الاقدام بکار رفته است بدین معنی که قدس زمینی رونوشتی از مسکن خدا است که البته به صورت ناقص می‌باشد (۲۴:۹). مقایسه دومی در مورد خیمه اولی (۲:۹) و آینین پرستشی مربوطه (ر.ک ۸-۸:۹) بکار برده شده و چنین نتیجه می‌گیرد که: نخستین خیمه زمینی و آینین های پرستش کهنه فقط تجسم قلی از خیمه کامل تری بوده‌اند (ر.ک ۱۱:۹ m) و با قرآنی مسیح تنها راهی هستند که دسترسی به قدس حقیقتی را میسر می‌سازند.

<sup>۷</sup>- تغییر آینین پرستش و تقدیم قربانی لازم بود تا ارتباط بین آدمیان و خدا بر مبنای بهتری برقرار گردد (ر.ک ۱۲:۷، ۱۲:۸، ۱۹:۱۸).

<sup>a</sup>- مبنظر پیمانی است که خدا با قوم اسرائیل در سینا معقد کرده است (ر.ک ۹:۶-۳:۲۴).

<sup>b</sup>- ترجمه دیگر: در دلهایشان. پیمان جدید یک پیمان حقوقی ظاهری نیست بلکه در دون روح‌های آدمیان قرار گرفته است. در این عبارت که از اصل عربی به زبان یونانی ترجمه شده ترتیب و توالی کلمات تغییر یافته است.

<sup>c</sup>- در پیمان جدید، هر فردی ارتباط شخصی با خدا دارد (ر.ک مت ۲۳:۸-۱:۱-تسا ۴:۹-یو ۲۷:۲-۲۰:۵).

<sup>d</sup>- از ۳۱:۳۴-۳۱:۳۱. پیمان جدید بخشایش گناهان را می‌آورد. ر.ک ۱۰:۱۷-۱۰:۱۸.

شده بود، کاهنان پیوسته در خیمه اولی وارد می شوند تا خدمات [پرستشی] را انجام دهنند.<sup>۷</sup> اما در [خیمه] دومی فقط یک بار لاؤ<sup>۲۴،۲۱:۱۶</sup> آن هم در سال کاهن اعظم [وارد می شود]: آن هم با خونی که به خاطر خود و برای گناهان نادانی مردم تقدیم نماید.<sup>۸</sup> روح القدس<sup>۱۰:۱۹</sup> بدین وسیله نشان می دهد تا هنگامی که هنوز خیمه اولی بریا است راه قدس ظاهر نشده است.<sup>۹</sup> این تمثیلی برای زمان حاضر است که برطبق آن هدیه ها و قربانیهای تقدیمی نمی توانند وجودان پرستش کنند.<sup>۱۱:۱۰</sup> را به تکامل برسانند!<sup>۱۰</sup> و در آنها فقط در لاؤ<sup>۲۱:۱۳</sup> مورد غذاها، و نوشابه ها، و شست و شوهای مختلف [است]: مقررات بشری که تا دوران درست شدن تحمل شده است.

### قربانی مسیح

اما مسیح آمده است که کاهن اعظم<sup>۱:۸</sup> نیکی های آینده است<sup>۱</sup> از طریق خیمه ای بزرگتر و کامل تر که بدست [آدمیان]

<sup>۱۳</sup> با [سخن]<sup>۱۴،۶:۳</sup> گفتن از [پیمان] جدید، اولی را کهنه ساخته است؛ باری آنچه کهنه و فرسوده است بزودی از بین می رود.

### آئین قدیم

<sup>۱</sup> هر آینه [پیمان] اولی هم مقررات پرستشی، و قدس زمینی داشت.  
<sup>۲</sup> زیرا یک خیمه اولی مستقر شده بود<sup>۲۴-۲۲،۲۹:۱۷</sup> در آن چراغ و میز و نانهای آماده تقدیم بود: آن را قدس می نامند.<sup>۳</sup> در پشت پرده دوم خروج<sup>۲۳:۲۶</sup> خیمه ای که قدس القداس<sup>f</sup> نامیده می شود،<sup>۴</sup> با یک مجمر طلایی<sup>g</sup> و خروج<sup>۲۱:۴۰</sup> صندوقچه پیمان کاملاً پوشیده از طلا خروج<sup>۳۴:۱۶</sup> [بود] و در آن یک کوزه طلایی حاوی من<sup>۵</sup> و چوبیدستی هارون [بود]<sup>۶</sup> که گل کرده بود و الواح پیمان<sup>h</sup> [بود].<sup>۵</sup> و بر فراز [صندوقچه خروج<sup>۲۰:۴۰</sup> پیمان]<sup>۷</sup>، فرشته های شکوهی که بر کرسی خروج<sup>۹:۸-۱۰:۲۵</sup> رحمت سایه می افکندند. که جای آن نیست درباره آنها اکنون به تشریح سخن گفته شود.<sup>۶</sup> این چیزها که بدین گونه مستقر

<sup>e</sup>- توصیف خیمه پیمان بر مبنای قانون موسی است، خروج<sup>۲۵:۲۶</sup>: ۴۰. و به معبد سلیمان مربوط نیست<sup>۱-۶</sup>.  
<sup>f</sup>- نویسنده در مورد تمایز بین اولین و دومین قسمت محل پرستش تأکید می نماید (ر. ک خروج<sup>۳۳:۲۶</sup>). این تمایز با تمایز بین خیمه و قاس تطبیق می کند. خیمه، راه وصول است. در صورتی که قدس یا اتاق مقدس، هدف و مقصدی است که باستی به آن رسید. ر. ک<sup>۱۱:۹-۱۲</sup>.

<sup>g</sup>- آیا منظور قربانگاه مخصوص سوزاندن بخورها است؟ برابر مفاد خروج<sup>۳۰:۲۶</sup>: ۴۰. این قربانگاه در قدس القداس قرار نداشته است. در ترجمه یونانی کتاب مقدس (هفتادتنان) کلمه یونانی که در اینجا آمده بکار نرفته است. آیا منظور نوعی بخوردان است؟ ر. ک خروج<sup>۳۰:۳۶</sup>: لاؤ<sup>۱۶:۱۲</sup>. ضمناً بخوردان نشانه و علامتی از مقام کهانت بشمار می رود. ر. ک لاؤ<sup>۱:۱۰-۳:۱۱</sup>: اعد<sup>۱۶:۱۷</sup>.

<sup>h</sup>- در مورد کوزه طلایی و من<sup>۵</sup>: ر. ک خروج<sup>۱۶:۳۲-۳۴</sup>: ۲۵-۲۶: ۱۷: اعد<sup>۱۶:۱۷</sup>: الواح پیمان: خروج<sup>۲۵:۲۱-۲۱</sup>.

<sup>i</sup>- این آیین، مرسوم سالیانه توبه و پیشمانی بزرگ بود: لاؤ<sup>۹:۶</sup>.

<sup>j</sup>- خیمه اولی به قفس حقیقی راه نداشت بلکه فقط به یک خیمه دوم که بدست آدمیان ساخته شده می رسید. ر. ک<sup>۹:۶</sup>.

<sup>k</sup>- عدم امکان وصول به قدس واقعی، در حقیقت به سبب ناقص بودن قربانی ها بوده است.

<sup>l</sup>- ر. ک<sup>۱۰:۵-۶</sup>: در تعدادی از نسخه های خطی معتبر متن بدین صورت است: ... نیکی های رسیده است. در هر دو صورت منظور حقایق قطعی و حقایق دنیای آینده است که از این پس به لطف قربانی مسیح راه وصول به آنها به روی ایمانداران گشوده شده است.

موعود را دریافت کنند.<sup>۱۶</sup> زیرا جایی که وصیت است، مرگ کسی که آن [وصیت] را ساخته ضروری است.<sup>۱۷</sup> زیرا که وصیت بعد از مرگ اثبات می شود، پس تا وقتی که غالباً<sup>۱۵</sup> وصیت کننده زنده است قدرت ندارد.<sup>۸</sup> بدين دلیل آن [پیمان] اولی بدون خون گشایش نیافته بود.<sup>۱۹</sup> زیرا [وقتی] موسی همه دستور را برطبق قانون [تورات] به تمام خروج ۸-۳:۲۴ اعداً<sup>۷-۴:۱۴</sup> کتاب و تمام قوم پاشید،<sup>۲۰</sup> [درحالی که] می گفت: این خون پیمانی است که خدا برای شما مقرر کرده است.<sup>۱</sup> و خون را همچنین بر روی خیمه و همه اشیاء پرستش پاشید.<sup>۲۲</sup> و برابر قانون [تورات] تقریباً همه چیز با خون پاک می شودو بدون ریختن خون بخشش وجود ندارد.<sup>۲۳</sup> پس اگر لاؤ۱۷:۱۱؛ اعداً<sup>۳۳:۳۵</sup> تصاویر چیزهایی که در آسمانها هستند لازم ۵:۸

m- این خیمه جای خیمه اولی را می گیرد (۸:۹)؛ و بوسیله خون مسیح راه وصول به قدس حقیقی است. چنین به نظر می رسد که نویسنده راز جسم مسیح شکوهمند را در نظر دارد، معبدی که بدست آدمی ساخته نشده، و آفرینش جدید است: ر.ک. ۲۰:۱۰-۲۰:۱۴؛ بدين سبب وی میانجی پیمانی نو است<sup>۱</sup> تا با مرگ [خود] که برای بازخرید تخلّف های اولین پیمان رخ داده، آنانکه خوانده شده اند بتوانند میراث جاودانی

### پیمانی که با خون مهر شده

<sup>۱۵</sup> و بدين سبب وی میانجی پیمانی نو است<sup>۱</sup> تا با مرگ [خود] که برای بازخرید تخلّف های اولین پیمان رخ داده، آنانکه خوانده شده اند بتوانند میراث جاودانی

n- آزادی قطعی یا نجات و بازخرید جاودانی در مقابل آزادی های موقتی آمده است که در طول تاریخ اسرائیل روی داده است. ر.ک خروج ۷-۶:۶؛ داور ۲۳-۱۶:۲. ر.ک اعداً<sup>۱۲-۲:۱۹</sup>

p- ترجمه دیگر: با پاک کردن جسم ایشان، آنان را مقدس می سازد. منظور از پاک کردن جسم، شست شوها و پاک شدن شرعی برای شرکت در آیین نیایش کهن بوده است.

q- حقیقت قربانی شدن مسیح کمتر از قربانیهای کهن نیست: زیرا خون او ریخته شده است. ولی کاملاً بالاتر و برتر و غیرقابل مقایسه با آنها است. زیرا تعهد شخصی موجودی بی گناه است که روح القدس محرك او است و بدين سبب در تصفیه و پاک کردن و جداها و متحد ساختن آدمیان با خدا مؤثر است.

r- در متن یونانی به طوری که در بالا ترجمه شده سخن از پیمانی نو است چنانکه در ترجمه یونانی کتاب مقدس (هفتادتان) به معنی پیمان خدا با قوم خود گرفته شده است ولی همین کلمه در اصطلاح و زبان عادی به مفهوم وصیت نامه بکار می رود. ظاهرآ نویسنده می خواهد از معنی مضاعف این کلمه بهره برداری نماید. ضمناً در ترجمه این عبارت گاهی هر دو معنی را ذکر کرده و چنین ترجمه می نمایند: و بدين سبب وی میانجی پیمانی نو، وصیت نامه ای جدید است. ر.ک ۱۵:۳-۱۷.

s- پیمانی را که خدا خواسته و در زبان یونانی نام وصیت نامه دارد ممکن نیست کمتر از یک وصیت نامه ثبات و استحکام داشته باشد. بنابراین، این پیمان هم باید بر مبنای حقیقت تغییرناپذیر مرگ باشد.

t- خروج ۸:۲۴. اولین کلمه این نقل قول تغییر یافته و به جای اینک، «این» گذاشته شده است: و با سخنان یسوع در شام آخرین تطبیق می نماید.

ساخته نشده یعنی از این آفرینش نیست<sup>m</sup>، <sup>۱۲</sup> نه به خون بزها و گوساله ها بلکه بوسیله خون خودش، او وارد شد، یک بار برای همه به قدس؛ آزادی جاودانی را کسب کرده است.<sup>n</sup> زیرا اگر خون بزها و گوساله ها و خاکستر ماده گوساله را که بر روی آنانکه آلوده شده می پاشند<sup>۰</sup> از نظر پاکی جسم مقدس می سازد، <sup>۱۴</sup> چقدر بیشتر خون مسیح که بوسیله روح جاودانی، <sup>۱-بطری:۱۰؛ ۷:۱-یو۱:۱۰</sup> خودش را بدون نقص<sup>۹</sup> به خدا تقدیم کرد وجدان ما را از اعمال مرگ پاک خواهد کرد تا به خدای زنده خدمت نماییم!

زیادی را حمل نماید و بار دوم ظاهر خواهد اش<sup>۱۲:۵۳</sup>  
شد، بدون گناه، بر آنان که در انتظار<sup>۱۳:۰۱</sup>  
نجات هستند.<sup>۱۰:۳</sup>

است بدین طریق پاک شوند، چیزهای  
آسمانی<sup>۱۱</sup> اما به قربانیهای بهتر از اینها  
باشد.

### یگانه قربانی مؤثر

۱۰ زیرا قانون<sup>۷</sup> سایه ای از چیزهای<sup>۵:۸</sup>  
نیک آینده است و نه تصویری از<sup>۱۱:۹</sup>  
آن چیزها، [پس] هرسال همان قربانی ها را<sup>۱۸:۷</sup>  
پیوسته تقدیم می کنند که هرگز نمی توانند<sup>۳۴:۱۶</sup>  
آن را که [به سوی خدا] پیش می روند  
کامل سازد<sup>۷:۷</sup>. و گرنه آیا تقدیم قربانی ها  
قطع نمی شد زیرا آنان که این پرستش را  
اجام می دهند هیچ کدام وجدان گناهان را  
نداشته و یک بار برای همیشه پاک شده  
بودند؟<sup>۳</sup> اما بوسیله این [قربانی ها] هرسال<sup>۲۱:۱۶</sup> لاؤ<sup>۲۱:۱۶</sup>  
گناهان یادآوری می شود،  
زیرا غیرممکن است خون گاوها و بزها<sup>۱۳:۹:۹</sup>  
گناهان را پاک کند<sup>۸</sup>. بدین سبب در<sup>۱۱:۱:۱۰</sup>  
ورود به دنیا [مسیح] می گوید:  
قربانی و تقدیمی را تو نخواسته ای؛  
اما برای من جسمی تهیه کرده ای<sup>۹</sup>؛

### ورود مسیح به آسمان

۲:۸ ۲۴ زیرا مسیح در قدس های ساخته دست<sup>۱-پطر:۱۹:۱</sup>  
[آدمیان] که تصاویر [ساده] قدس های  
واقعی است وارد نشده است بلکه در خود  
آسمان، تا اکنون در مقابل چهره خدا  
به خاطر ما حاضر گردد.<sup>۲۵</sup> و نه آن که  
چندین بار خود را تقدیم نماید همچنانکه  
کاهن اعظم [می کند و]<sup>۷:۹</sup> هرسال با خون  
بیگانه ای در قدس وارد می شود.<sup>۲۶</sup>  
۲:۹ به عبارت دیگر بایستی چندین بار از  
بی ریزی دنیا رنج می کشید در صورتی که  
فقط یک بار در پایان روزگاران ظاهر  
گردیده است تا با قربانی خود گناه را از  
بین ببرد.<sup>۲۷</sup> و به همان گونه که در مورد  
انسان ها مقرر است فقط یک بار بمیرند و  
پس از آن داوری است،<sup>۲۸</sup> همچنین مسیح  
روم:۲:۲۹-۲۸:۱:۱۰ نیز یک بار تقدیم شد تا گناهان تعداد  
بود<sup>۱:۱۰-۵:۲</sup>

- ۱۱- تطبیق دادن تصاویر<sup>۹:۱۱-۱۹:۱</sup> با چیزهای آسمانی چنین تلقین می کند که این چیزها عبارت از خیمه نو (ر.ک ۱۱:۹)، قوم جدید (ر.ک ۱:۳)، انجیل پیمان نو و آنجه در آینین پرستش مسیحی بکار می رود هستند. این چیزها که بدوان در دنیا<sup>۱</sup> گناهکار وارد شده بودند نیاز داشتند بوسیله قربانی مسیح تغییر یابند تا هدف آسمان آنها تحقق پذیرد.
- ۷- البته منظور قانون موسی است و مخصوصاً به طوری که زندگی مذهبی قوم یهود را در چهارچوب مقررات و آداب و اعیاد مختلفی تنظیم می کرد.
- ۷۷- بعضی از مفسران چنین درک می کنند که در اینجا منظور زائرانی هستند که به سوی قربانگاه پیش می روند. در این صورت اضافه کردن [به سوی خدا] ضرورتی ندارد.
- ۷- قبل<sup>۷</sup> پیامبران گفته بودند قربانیهای حیوانات بیهوده و بی فایده است (اش ۱:۱۱-۱۳:۱؛ ار ۶:۲۰؛ ۷:۷؛ هو ۶:۶؛ عا ۵:۲۱-۲۵؛ میک ۶:۸-۸). ولی در این نوشته ها سخن از منسوخ کردن قربانی ها در آینین نیایش نبوده بلکه بحث درباره عدم صداقت در برابر خدا بود. در صورتی که در اینجا نویسنده نامه نظریه اساسی تری اتخاذ کرده و می گوید: فقط آن قربانی مؤثر است که واقعاً شخصی باشد. ر.ک ۹:۱۴-۹
- ۸- این عبارت از ترجمه<sup>۸:۴۰</sup> نقل شده است. در هنن عبری مزبور سخن از گوش ها است در ترجمه<sup>۷:۷</sup> یونانی جسم ذکر کرده اند. نویسنده نامه این نقل قول را اشاره به راز سکونت روح خدا در جسم مسیح می داند. در بند ۱۰ که جسم یسوع مسیح ذکر شده مجدداً همین نظریه ابراز می شود ، مخاطبان این نامه از هم اکنون در نظام جدیدی زندگی می نمایند که با تقدیم مسیح برقرار گردیده است.

برای همیشه بدست راست خدا نشسته است.<sup>z</sup> از این پس منتظر است دشمنانش به زیر پای او گذاشته شوند.<sup>۱۴</sup> زیرا با تقدیمی یگانه‌ای، کسانی را که مقدس شده‌اند برای همیشه کامل ساخته است.<sup>۲۵:۷</sup>

<sup>۱۵</sup> همین را روح القدس به ما نیز گواهی می‌دهد؛ زیرا پس از اینکه گفته است:

<sup>۱۶</sup> پس از این روزها پیمانی با ایشان خواهم بست،  
خداوند می‌گوید:  
قانونهای خود را بر روی دلهایشان می‌گذارم  
و آنها را بر روی ذهنشان خواهم نوشت؛  
<sup>۱۷</sup> و از گناهانشان و از بی قانونی‌های ایشان دیگر به یاد نخواهم آورد.<sup>a</sup>

<sup>۱۸</sup> باری در جایی که بخشش هست دیگر تقدیمی برای گناه نیست.<sup>b</sup>

### دعوت به زندگی شرافتمندانه مسیحی

<sup>۱۹</sup> پس، ای برادران، با اطمینان داشتن به ورود به قدس<sup>c</sup>، بوسیلهٔ خون یسوع،<sup>۱۲:۹</sup> این راه را که برای ما گشوده است، راهی است نو وزنده از ورای پرده، یعنی جسم خود<sup>d</sup> <sup>۱۹:۶</sup> زک:۶ ۱۳-۱۱:۶

### ۶ قربانیهای سوختنی

و [قربانیهای] برای گناه را نپسندیده ای؛

<sup>۷</sup> آنگاه گفته ام:

اینک می‌آیم،

در طومار کتاب دربارهٔ من نوشته شده است،

تا ارادهٔ تورا، خدا، انجام دهم.<sup>۸</sup>

<sup>۸</sup> قبلًاً می‌گوید:

قربانی‌ها و تقدیمی‌ها و قربانیهای سوختنی و [قربانی‌های] برای گناه را

تو نخواسته ای و آنها را نپسندیده ای

که اینها بر طبق قانون [تورات] تقدیم می‌شود؛

<sup>۹</sup> آنگاه گفته است:

اینک می‌آیم ارادهٔ تورا انجام دهم.

<sup>۱۰</sup> [پرستش] اولی را برداشته تا دومی را مقرر کند.<sup>۱۱:۲</sup> بنابراین اراده، ما مقدس شده

<sup>۱۲:۱۳:۱۱:۲</sup> ایم بوسیلهٔ تقدیم جسم یسوع مسیح، یک بار

برای همه [بوده].

<sup>۱۳</sup> خروج ۳۸:۲۹ و هر کاهنی هر روز بر پای می‌ایستد تا

خدمت را انجام داده و چندین بار همان قربانی‌ها را تقدیم نماید که هرگز نمی‌توانند

گناهان را بردارند.<sup>۱۲</sup> اولی او پس از اینکه قربانی یگانه‌ای برای گناهان تقدیم کرد،

<sup>۱۳</sup> y- مز ۷:۴۰، ترجمهٔ یونانی.

<sup>z</sup>- در بندهای ۱۲ و ۱۳ که از مز ۱:۱۱۰ ۱:۱۱۰ الهام گرفته شده سخن از سلطنت مسیح است (ر. ک ۱۳:۱:۱۰).

<sup>a</sup>- ر. ک از ۳۱-۳۳:۳۱:۲۲-۲۴:۸ عبر ۸:۱۰-۱۲.

<sup>b</sup>- متن این بند در بحث و مجادله‌ها بکار برده شده است. پرتسانها از فحوای این عبارات استفاده کرده و به نظریه کاتولیک‌ها

که آیین سپاسگزاری را به صورت یک قربانی ارائه می‌کنند اعتراض نموده‌اند. در صورتی که کاتولیک‌ها پاسخ داده‌اند که آیین سپاسگزاری قربانی دیگری به حز قربانی بر روی صلیب نیست بلکه آیین و رسومی مذهبی است که این قربانی یگانه و منحصر به فرد را به صورت فعلیت درمی‌آورد.

<sup>c</sup>- مظنو قدس آسمانی است (عبر ۲۴:۹) که ورود به آن قبلًاً غیرممکن بوده و با پرده‌ای مقایسه می‌شود که با عبور از آن به قدس زمینی وارد می‌شوند و از این پس به فیض مسیح ورود به آن آزاد است. (ر. ک مر ۱۵:۳۸:۱:۱۶:۴:۲۰-۱۹:۷:۶).

<sup>d</sup>- ترجمهٔ دیگر: ...از ورای پرده، یعنی بشریت او. ر. ک ۱۱:۹ m. این مسیری است که به نجات و رستگاری رهبری می‌نماید (ر. ک یو ۱۴:۶).

چه مجازات بدتری خواهد بود؟<sup>۳۰</sup> زیرا  
می شناسیم آن را که گفته است:  
انتقام با من است! من باز پس خواهم داد.  
و همچنین:  
خداآوند قوم خود را داوری خواهد کرد.<sup>h</sup>  
<sup>۳۱</sup> ترسناک است افتادن در دست های مت ۲۸:۱۰-۲۸:  
خدای زنده!  
<sup>۳۲</sup> اما روزهای نخستین را به یاد آرید که  
روشنایی را دریافتید<sup>۱</sup>، در مبارزه بزرگی  
رنج ها تحمل کردید<sup>۱</sup>،<sup>۳۳</sup> گاهی در معرض  
تماشا، با ناسزاها و همچنین شکنجه ها و  
گاهی با آنانکه چنین [با ایشان] رفتار  
می شد شریک می شدید.<sup>۳۴</sup> زیرا با اسیران ۳:۱۳-۳:  
همدردی کرده اید و غصب اموال خود را با  
شادی پذیرفته اید [زیرا]<sup>۱</sup> می دانستید  
خودتان ثروتی بهتر دارید که باقی می ماند.  
<sup>۳۵</sup> پس اطمینان خود را از دست مدهید که  
اجر بزرگی دارد. <sup>۳۶</sup> زیرا نیاز به مقاومت  
دارید<sup>k</sup>، تا با انجام اراده خدا، وعده را باز ۱۵:۱۲-۱۵:۱  
لوبید.  
<sup>۳۷</sup> چون که باز، پس از اندک [مدّتی]  
آنکه باید بیاید خواهد رسید و دیر

<sup>۲۱</sup> و [همچنان] کاهنی اعظم بر خانه خدا  
[داریم]<sup>۱۵-۱۴:۴</sup> <sup>۲۲</sup> بادلی راستین در اطمینان  
کامل ایمان تقرّب جوییم، دلی که از ضمیر  
حق<sup>۲۳</sup> آلوده پاک شده و جسمی که با آب پاک  
شسته شده است.<sup>۲۴</sup> اظهار امید خود را  
محکم نگهداریم، زیرا وفادار است آنکه  
وعده داده است.<sup>۲۵</sup> یکدیگر را در تحریض  
به محبت و اعمال خیر مراقبت کنیم.  
<sup>۲۶</sup> <sup>۲۵:۳۶</sup> زیرا اگر پس از پذیرفتن شناخت  
حقیقت تعمد<sup>۱</sup> گناه کنیم دیگر برای گناهان  
اش ۱۱:۲۶ قربانی نمانده است.<sup>۲۷</sup> بلکه انتظار قطعی  
داوری هولناک و شدت آتشی که باید  
اعد ۳۰:۱۵ مخالفان را فرو خورد.<sup>۲۸</sup> اگر کسی قانون  
موسی را لغو شمارد با [گفته]<sup>۱</sup> دو یا سه  
گواه بی رحمانه کشته می شود.<sup>۲۹</sup> پس  
آنکه پسر خدا را پایمال کرده و خون پیمان  
مت ۲۸:۲۶-۲۷:۱۱ را که در آن تقدیس شده پلید شمارد و به  
فرن ۱- فیض توھین کند فکر می کنید شایسته  
روح

- e- منظور روز خداوند است (۱-تسا:۵) و روز مداخله عظیم الهی است (ر.ک اش:۱۲:۲؛ بول:۱۱:۲-۱۵:۱؛ صفحه:۱۴:۱-۱۳:۱)
- f- ملا: ۱۹:۳-۲۱:۳. در روم ۱۲:۱۳-۱۰:۷؛ عبر ۷:۴-۵:۱۳:۳. در بندهای ۲۴-۲۵ سخن از حالت روحی کنندگان نامه است. آیا سردی و بی علاقگی است؟ آیا ترس از تعقیب و شکنجه است؟ در بندهای ۳۲-۳۶ نیز درباره دوران سختی که با مبارزه ای سنگین و دردناک همراه است یاد شده است و ممکن است این دشواری ها نشانه و مقدمه فرا رسیدن روز موعود باشند.
- g- در این قسمت همان مسایلی مطرح شده که در ۴:۶-۸ آمده است (ر.ک ۶:۲۶). بی حرمتی به روح فیض را می توان با کفر گفتن علیه روح القدس مقایسه کرد که بر طبق انجیلها همگونه هرگز بخشیده نخواهد شد. (مت ۳۱:۱۲ و متون مشابه در انجیلها دیگر).
- h- اعد ۳۰:۳۵؛ تث ۶:۱۷
- i- این دو نقل قول از تث ۳۲-۳۵:۳۶ در تأیید استدلال ذکر شده است.
- j- بندهای ۳۲-۳۵ یادآوری وضعیت دشواری است که با ذکر نکته هایی ترسیم گردیده است: مبارزه سنگین، دشمن و شکنجه، اسارت، غصب اموال. این وضعیت مخاطبان نامه نظری و ضعیتی است که در ۱-تسا ۱۴:۲ ذکر شده است.
- k- موضوع پایداری و مقاومت در ۱۳-۱۲:۱ تشریح خواهد شد.
- l- اش ۲۰:۲۰، ترجمه یونانی.

آن قدما<sup>۹</sup> گواهی شده‌اند.<sup>۳</sup> بوسیله ایمان نخواهد کرد.

<sup>۲:۱</sup> درک می کنیم که دنیاها بوسیله سخن خدا  
<sup>۱</sup> تشکیل گردیده<sup>۱</sup>، به طوری که آنچه مرئی  
است از آنچه ظاهری نیست آفریده شده

<sup>۴:۴</sup> است.

<sup>۴</sup> بوسیله ایمان هابیل<sup>۵</sup> قربانی بهتری از  
قائمه خدا تقدیم کرد، بوسیله آن [ایمان]

گواهی شد که وی عادل است، خدا عطایای

او را گواهی کرد و بوسیله آن [ایمان] با  
اینکه مرده است، هنوز سخن می‌گوید.<sup>۶</sup>

<sup>۴:۵</sup> <sup>۵</sup> بوسیله ایمان، خنخ منتقل گردید تا  
مرگ را نبیند، او را نمی‌یافند، زیرا خدا

او را منتقل کرده بود.<sup>۷</sup> چونکه قبیل از انتقال

<sup>m</sup>- حب ۴-۳:۲، ترجمه یونانی؛ روم ۱:۱۷؛ غلا ۳:۱۱. نویسنده ترتیب عبارات متن را تغییر داده است تا هرگونه شباه و ابهام  
مرتفع گردد. در ترجمه یونانی این رسالت جمله‌ایگر روی گردان شود بلا فاصله پس از دیرخواهد کرد آمده است.

<sup>n</sup>- موضوع ایمان در ۱:۱۱-۴۰-۱۰ تشریح نخواهد شد.

<sup>۰</sup>- در بندهای ۱-۲ درباره ایمان و گواهی و تأیید الهی اصرار و تأکید شده و اصول تفسیری که ارائه می‌گردد در تمام مواردی که  
متعاقباً ذکر شده صدق می‌کند. نویسنده نامه، نظری برولس در روم ۴:۸-۲۵-۲۴:۱-۱-قرن ۱۲:۱۳ و -قرن ۱۸:۴-۲ نآنچه را که  
فعالیت دارد و تحقق یافته در مقابل آنچه هنوز وقوع نیافته است می‌آورد. نوح در بند ۱۱:۷ نخستین نمونه کسی است که  
بوسیله ایمان، آنچه را غیرمرئی است درمی‌یابد.

<sup>P</sup>- آنچه نامرئی است متوجه است. در نوشته‌های عهد جدید نظریات مختلف دیگری آمده که این نظریه را تکمیل می‌کنند. پولس  
مخصوصاً ایمان را همچون ارتباط شخصی بین پیروان و خداوندان ارائه می‌کند. یعقوب اظهار می‌نماید که فقط ایمان معنوی  
به وجود خدای یگانه کافی نیست و الزاماً باید با اعمال تقویت شود (یع ۱۴:۲-۲۶). کلامی را که نویسنده در این بند بکار برده  
است می‌توان به چندین طریق معنی و تفسیر نمود: مثلاً کلمه‌ای را که وثیقه ترجمه کرده ایم ممکن است به معنی گرفت باشد  
(کریزوستوم، آگوستین و توماس داکن تفسیر کرده‌اند: ایمان در ما نعمت‌های روحانی را که انتظار می‌رود ایجاد می‌کند);  
همچنین می‌توان به معنی تضیین، قیله مالکیت گرفت (گرینگوری نیساي، کالون و چند تن از مفسران جدید)، معنی اخیر که  
بوسیله مدارک خطی کهن تأیید شده بیشتر محتمل و قابل قبول است. ولی بیشتر مفسران (مثل اراسموس، لوت، زوینگلی و  
بسیاری از مفسران جدید) معنی اطمینان کامل را ترجیح داده و پذیرفته‌اند. در متن بالا دلیل ترجمه شده  
است مفسران اعتقاد درونی را پیشنهاد کرده‌اند که ایمان امکان مشاهده امور غیر مرئی را میسر می‌سازد (ر. ک  
و سیله دانستن است. پدران کلیساي یونان اصرار دارند که ایمان در مکان مشاهده امور غیر مرئی را میسر می‌نماید،  
می‌شناسد بدون اینکه ببیند. مثالهایی که متعاقباً ذکر شده را که ایمان در بردار نشان خواهد داد.

<sup>۹</sup>- این روش که در مورد شخصیت‌های عهد عتیق، یکی پس از دیگر مرور شود، در روایات یهود امری عادی است (بنسی ۴۴-۵:۸-۲۵:۲-۱-مک ۲:۱-۵۱-۶۴-۲۷:۸).

<sup>t</sup>- این اظهارات را که درباره مبانی ایمان آمده است می‌توان با f ۲:۱ و h ۳:۱ مقایسه کرد. نویسنده اشاره به مطالب سفر  
پیدایش می‌نماید (بید ۱: ر. ک مز ۶:۳۳).

<sup>۸</sup>- هابیل. برطبق بید ۴:۳-۱۰ اولین کسی است که به سبب وفاداری به خدا کشته شده است: این موضوع در مت ۳۵:۲۳ نیز  
ذکر گردیده است. نویسنده نامه به عبریان ضمن اینکه مطالب سفر پیدایش را نقل می‌کند مقاد آن را اندکی تغییر می‌دهد:

برطبق بید ۴:۱۰-۱۱:۵-۲۴ خون هابیل فریاد می‌کشد در صورتی که در اینجا هابیل با اینکه مرده است سخن می‌گوید.

<sup>t</sup>- برابر بید ۵:۱۱-۲۴-۱۱:۵ خنخ بوسیله خدا منتقل شده است و این انتقال در بنسی ۴:۴۶ و ۱۶:۴۹ نیز روایت گردیده است.

انتظار شهری با زیربنایا<sup>x</sup> بود که خدا  
معمار و سازنده آن است.

<sup>۱۱</sup> همچنین بوسیله ایمان، خود سارا که پیدا شد: ۲:۲۱ ناز بود، قدرت بنیانگذاری تباری<sup>y</sup> دریافت کرد، با اینکه زمان عمرش گذشته بود، زیرا آن را که وعده داده بود باوفا می دانست؛ <sup>۱۲</sup> همچنین بدین سبب، [تنها] از یک نفر، که در نشانه مرگ بود<sup>yy</sup>، و از نظر تعداد به مانند ستارگان آسمان و همچون ریگ پیدا شد: ۵:۱۵ کناره دریا، بی شمار<sup>z</sup> متولد گردید.

<sup>۱۳</sup> ایمان همگی در ایمان مردند، بدون آنکه وعده ها را دریافت نمایند، ولی از دور آنها را<sup>zz</sup> دیده و سلام کرده و دریافته بودند که بر روی سرزمین خارجی و مسافر پیدا شد: ۴:۲۳ هستند.<sup>۱۴</sup> در حقیقت، آنانکه چنین چیزهایی می گویند، آشکارا نشان می دهنند که در جستجوی یک سرزمین پدری هستند. <sup>۱۵</sup> و حقیقتاً اگر بیاد می آورند از جایی که از آن خارج شده بودند، وقت داشتند به

گواهی شد که خوشایند خدا بود. <sup>۶</sup> باری،

بدون ایمان غیرممکن است خوشایند بود؛ زیرا آنکه به سوی خدا پیش می رود باید ایمان داشته باشد که او هست و پاداش دهنده آنان است که او را می جویند.<sup>u</sup>

<sup>۷</sup> بوسیله ایمان، نوح درباره آن چیزهایی که هنوز دیده نمی شد، وحی دریافت کرد، با خداترسی برای نجات خانواده اش سفینه ای ساخت؛ بوسیله آن [ایمان] دنیا روم ۲۲:۳ را محکوم نمود<sup>v</sup> و برطبق ایمان وارت عدالت گردید.

<sup>w</sup> بوسیله ایمان، ابراهیم که خوانده شده بود<sup>۴-۱:۱۲</sup> اطاعت کرد، به سوی مکانی رفت که

می باید به ارت دریافت نماید، و رفت بدون اینکه بداند به کجا می رود.<sup>۹</sup> بوسیله

<sup>۱۰:۲۶</sup> ایمان در سرزمین موعود، همچون در سرزمینی خارجی ساکن شد، با اسحاق و <sup>۱۲:۳۵</sup> یعقوب که ایشان هم وارثان وعده ها بودند زیر خیمه ها سکونت گزید؛ <sup>۱۱</sup> زیرا در

<sup>۱۱</sup>- این عبارت یکی از متون نوشته های مقدس است که بیشتر در موقع مباحثه های «لزوم ایمان برای نجات» استفاده شده است. وانگهی ملاحظه می شود که این عبارت محتوای ایمان را از نظر روحانی بیان می کند و نویسنده کلمات و عباراتی کلی اظهار نموده و حتی نام مسیح را ذکر نکرده است (ر.ک. یو ۳:۲۰-۱:۵). نویسنده که مراحل الهام های خدایی را به خوبی می شناسد اختراع دارد از اینکه برای خوخ ایمان صریح در یسوع مسیح قائل شود (ر.ک. روم ۱۷:۴).

<sup>۷</sup>- بی ۶:۱۰-۵:۶. سفینه ای که نجات می دهد ضمناً سفینه ای است که محکوم می کند: یک عمل اکثر<sup>۱۰</sup> نتیجه های مضاعف، مشت و منفی در بردارد (ر.ک ۲-قرن ۱:۱۵-۱۶).

<sup>W</sup>- از دوران مهم ابراهیم (پیدا شد: ۲۵-۱۲) نویسنده مفهوم پاتریارخ را نشان داده است (پیدا شد: ۴-۱:۱۲)، بدون اینکه مراحل زندگی چادرنشینی اورا ترسیم نماید: این مراحل عبارتند از شکیم، بیت ثیل، حرون، مژرشیع و حتی مدتی اقامت در صحر. ولی معنی و مفهوم آنها را ذکر می نماید: بدین معنی که گرچه وعده محکم و استوار است محل سکونت آن موقعی و نایابیار است.

<sup>X</sup>- این شهر اورشلیم آسمانی است (ر.ک ۱:۱۱-۲:۱۲؛ مکا ۲۷-۱۰، ۲:۲۱) که از هر بنای زمینی مستحکم تر و واقعی تر است (ر.ک عرب ۱۲:۲۸-۲۷) و شهر داود فقط تصویر قبل آن است (مز ۹:۴۸-۱:۸۷؛ اش ۵:۵؛ اش ۲:۲۸؛ اش ۱:۱۶؛ اش ۱۱:۵۴).

<sup>Y</sup>- عبارتی که در اینجا ذکر شده است: قدرت بنیانگذاری تباری دریافت کرد، در متن یونانی بیشتر به ابراهیم منسوب می شود تا اینکه به سارا نسبت داده شود ولی چون در تمام نسخه های خطی نام سارا ذکر شده، نمی توان به جای آن نام ابراهیم گذاشت. نویسنده موضوع خنده دیدن را حذف نموده ولی در پیدا شد: ۱۷:۱۷-۱۶:۱۸؛ ۱۹-۱۷:۲۱؛ ۱۵-۱۲:۱۹؛ ۱۳:۳۲؛ ۱۶:۱۳) و شهر داود فقط ترجمه دیگر است.

<sup>yy</sup>- ترجمه دیگر: هم اکنون چنانکه گویی مرده است: که هم اکنون مرگ او را نشان کرده است.

<sup>Z</sup>- نویسنده نقل قول پیدا شد: ۱۷:۲۲ را بکار می برد که دو مظہر و نشانه تعداد خیلی زیاد را یکجا جمع می کند: یعنی ذرات گرد و خاک (پیدا شد: ۱۳:۳۲؛ ۱۶:۱۳؛ ۴۱:۳۲) و ستارگان (پیدا شد: ۵:۱۵؛ ۴:۲۶).

<sup>ZZ</sup>- یعنی وعده ها را دیده و به آنها سلام کرده بودند.

دستورهایی داد.

<sup>۲۳</sup> بوسیله ایمان، موسی را پس از تولد، خروج ۲:۲ بود. والدینش مدت سه ماه پنهان نگهداشتند، چون می دیدند که کودک نیکو منظر است؛ و از فرمان پادشاه تنرسیدند.<sup>۲۴</sup> موسی که خروج ۲۲:۱ می خواهد شد، بوسیله ایمان نپذیرفت که پسر خروج ۱۵:۱۱ بزرگ شد، درخت فرعون نامیده شود،<sup>۲۵</sup> ترجیح داد که به همراه قوم خدا خود با او بدرفتاری شود تا اینکه موقتاً از گناه بهره مندی داشته باشد؛<sup>۲۶</sup> رسایی مسیح را ثروتی بزرگتر از گنجینه های مصر می شمرد<sup>e</sup>، زیرا به پاداش نظر داشت.<sup>۲۷</sup> بوسیله ایمان مصر را ترک خروج ۱۵:۲ کرد، بدون اینکه از غصب پادشاه بترسد؛ چنانکه گویی نامرئی را می بیند محکم بر جای ایستاد.

<sup>۲۸</sup> بوسیله ایمان، عید گذر و پاشیدن خروج ۱۲:۱۲ خون را انجام داد، تا هلاک کننده نخست زادگان ایshan را نگیرد.<sup>f</sup>  
<sup>۲۹</sup> بوسیله ایمان از دریای سرخ مثل زمینی خشک گذشتند، مصریان که کوشیدند خروج ۲۷، ۲۲:۱۴ [بگذرند] فرو رفتند.<sup>۳۰</sup> بوسیله ایمان، باروهای اریحا فرو ریختند، وقتی که یوشع ۲۰:۶ [مدت] هفت روز به دور آن گشته بودند.

آنجا برگردند.<sup>۱۶</sup> اما اکنون، [سرزمین پدری]<sup>a</sup> بهتری، یعنی آسمانی می خواهند. بدین سبب خدا شرمنده نیست خدای ایشان خوانده شود؛ زیرا [هم اکنون]<sup>b</sup> برایشان شهری آماده کرده است.

<sup>۱۷</sup> بوسیله ایمان، ابراهیم که به آزمایش یع<sup>c</sup> ۲۱:۲ گذاشته شده بود، اسحاق، پسر یگانه را چون قربانی تقدیم کرد<sup>d</sup> او که وعده ها را دریافت کرده بود، و به او گفته شده بود: در اسحاق تباری برای تو خوانده خواهد شد.<sup>e</sup>

<sup>۱۹</sup> می اندیشید<sup>b</sup> که خدا قادر است حتی از میان مردگان برخیزاند. در نتیجه [پرسش را] بازیافت و در این نشانه ای بود.

<sup>۲۰</sup> اسحاق<sup>c</sup> بوسیله ایمان و به منظور آینده، یعقوب و عیسیو را برکت داد.

<sup>۲۱</sup> بوسیله ایمان، یعقوب درحال مرگ، هریک از پیسان یوسف را برکت داد و درحالی که بر نوک چوبدستی خود تکیه کرده بود به زانو درآمد.<sup>d</sup> بوسیله ایمان، یوسف در پایان خود، خروج بنی اسرائیل را ذکر کرده و در مورد استخوانهایش

-<sup>a</sup> پید ۱۲:۲۱.

<sup>b</sup> پولس رسول در روم ۱۷:۴ ایمان ابراهیم را در خدا یادآوری می کرد که: مردگان را زنده می کند و آنجه را که نیست به هستی می خوانند. در اینجا نویسنده همین موضوع را با نوع رستاخیز اسحاق ارتباط می دهد که از مرگ مصنوع مانده است.

<sup>c</sup> پید ۲۷:۲۸-۲۹، ۴۰-۳۹، ۴۰:۲ ولی ر. ک عبر ۲:۱۶-۱۷.

<sup>d</sup> در اینجا نویسنده مفاد پید ۳۱:۴۷ می خواهد که گرچه ترجمه ای تقریبی است ولی مفهوم آن کاملاً روشن است. بدین معنی: کسی که درحال مرگ بازماندگان را برکت می دهد، بدین وسیله ایشان را وارث و عده ها می نماید. <sup>e</sup> بایستی منتظر بود تا به مثالها و مواردی از زندگی موسی بررسیم تا برای نخستین بار نام مسیح ذکر شود. ولی در سرتاسر این فصل مسیح به صورت ضمنی و مستتر وجود دارد: در تقدیم قربانی هاییل، صعود خنوج به آسمان، نجات نوح از طوفان، تولد معجزه آسای اسحاق، باز یافتن مجدد زندگی او که نوعی رستاخیز است و انتقال عده ها. موسی شخصیتی کاملاً مناسب بوده و موقعیتی است که در اینجا به روشنی ذکر شود. ولی آزاد کننده و میانجی قوم خدا بوده و با رنجها و آزمونهایی که تحمل نمود، در نقش کسی که پیشگام نجات است (ر. ک ۱۰:۲، ۳۵:۷) تحریرهای مسیح را بر خود پذیرفت (ر. ک مز ۵۱:۸۹؛ خروج ۵۳). ولی فرزند خواندگی بشری را با امتیازاتی که دربرداشت نپذیرفت، فرزندخواندگی الهی را ترجیح داد.

<sup>f</sup> ترجمه تحتاللفظی: تا نابود کننده نخست زادگان، آنان را لمس نکنند. ر. ک خروج ۱۲:۲۳، ۱۳:۱۲.

هرچیز و ]، ستم کشیده، آزار دیده [به هرسو رفتند]،<sup>۳۸</sup> ایشان که دنیا شایستگی آنان را نداشت! در صحراءها سرگردان [بودند]، در کوهها و غارها و شکافهای زمین.<sup>۳۹</sup> و همه آنان، با آنکه به سبب ایمان گواهی خوبی دریافتہ بودند، از وعده استفاده نکردند؛<sup>۴۰</sup> زیرا خدا برای ما چیز بهتری پیش بینی می کرد، تا بدون ما به کمال دست نیابند.

### تحمل آزمون‌ها

**۱۲** <sup>۱</sup> پس ما نیز که چنین توهه‌ای <sup>hh</sup> از گواهان گردآگرد خود داریم، هر بار سنگین و گناهی که دور ما را گرفته است بدور اندازیم، با صبر<sup>i</sup>، تلاشی را که در پیش داریم انجام دهیم<sup>ii</sup>،<sup>۲</sup> به پیویع، پیشاوا و کامل کننده ایمان نظر بدو زیم که به جای شادمانی<sup>j</sup> که در برابر خود داشت، صلیب را <sup>۱۳:۱۳</sup> عرب فی:<sup>۲:۲</sup> تحمل کرده، شرم‌ساری را ناچیز شمرد، و بدست راست تخت خدا نشسته است.<sup>k</sup> <sup>۳</sup> پس حقیقتاً فکر کنید به آنکه از [طرف]  
گناهکاران چنین ضدیتی را تحمل کرده تا <sup>۳۴:۲</sup> لوط

بوشع:<sup>۲:۲۲</sup> بوسیله ایمان، راحاب روسپی با یاغیان هلاک نگردید، [زیرا] جاسوسان را با صلح پذیرفته بود.

۳۲ و دیگر بیشتر چه بگویم؟ زیرا وقت نخواهم داشت تا از جدعون و باراق و داور:<sup>۶:۱۷</sup> شمشون و یفتاح و داود و همچنین از داور:<sup>۵:۲۰</sup> سموئیل و انبیاء مشروحًا سخن گویم،<sup>۳۳</sup> که بوسیله ایمان کشورها گرفتند، عدالت اجرا نمودند، وعده‌ها دریافتند، دهان شیران را بستند،<sup>۳۴</sup> التهاب آتش را خاموش کردند، از دان:<sup>۳:۲۳</sup> دم <sup>ff</sup> شمشیر گریختند، پس از ناقوانی نیرو گرفتند، در جنگ توانند شدند، ارتشهای بیگانگان را به عقب رانندند.<sup>۳۵</sup> زنان، مردگان خود را بوسیله رستاخیز باز یافتند. و بعضی دیگر شکنجه شدند<sup>g</sup>، آزادی خود را نپذیرفته‌اند تا اینکه بهتر، رستاخیز بدست آورند؛<sup>۳۶</sup> و بعضی دیگر، آزمون استهزا و شلاقها، و همچنین بندها و زندان را پذیرفته‌اند.<sup>۳۷</sup> سنجسار شدند، اره شدند<sup>h</sup>،  
۱-پاد:۱۹:۳ به شمشیر کشته شدند؛ در پوست‌های گوسفندان و پوستهای بزان، محروم [از

- ترجمه تحتاللفظی: از دهانهای شمشیر گریختند.

g- ۲- مک:۶:۳۰. اشاره به نوعی شکنجه است که تقریباً چنین بود: محکوم را بر روی یک چرخ می‌بستند سپس با ضربات چوب اعضای او را می‌شکستند و او را چهار پاره می‌کردند.

h- در نوشته‌های عهد عتیق چنین شکنجه‌ای ذکر نشده ولی در کتاب صعود اشیاعیا که از نوشته‌های ساختگی مربوط به عهد عتیق بوده و اوریجین از آن یاد کرده است، ذکر شده که کشمی، اشیاعی را با اره به دو قطعه کرده بود. در مورد قسوات‌های منسّی ر. ک. ۲- پاد:۲۱:۱۶-

hh- ترجمه تحتاللفظی: توهه ابری از گواهان...

i- طاقت و پشتکار در مبارزه و مسابقه‌های ورزشی از صفات ورزشکاران است. این تصویر در نوشته‌های عهد جدید بکار برده شده است: عرب:۱۰:۳۲؛۱-قرن:۹-۲۴:۲۷؛ فی:۳:۱؛ تیمو:۶:۱۲؛ ۲-تیمو:۲:۵-

ii- ترجمه تحتاللفظی: بدومیم، که اشاره به مسابقه‌های ورزشی است.

j- ترجمه دیگر: از شادی صرف نظر کرده... این عبارت را می‌توان درک کرد: به خاطر شادی که برایش معین شده بود.

k- آزمون پیروزمندانه مصائب و مصلوب شدن مسیح با کسب جلال و شکوه به پایان می‌رسد. ر. ک. ۱:۱؛ ۸:۱؛ ۱۰:۱؛ ۱۲:۱. سرو دی که در فی:<sup>۶:۱۱</sup> آمده است تصویر مشابهی از این روایت کوتاه و گیرا می‌دهد. ولی در اینجا شادی که به مسیح عرضه می‌شود دقیقاً تعیین نشده و می‌توان پرسید آیا قدوسیت او قبل از آمدن بر روی زمین بوده یا موقفیت مسیحایی که می‌توانسته است کسب کند.

قدوسیت او شریک شویم.<sup>۱۱</sup> هر تأدیبی، به واقع در موقع خود به نظر نمی‌رسد که شادی‌انگیز باشد، بلکه غم‌انگیز است؛ با این‌همه بعداً برای آنان که اجرا شده میوهٔ صلح است و عدالت به بار می‌آورد.<sup>۱۲</sup> بدین سبب دست‌های افتاده و زانوهای سست را درست کنید؛<sup>۱۳</sup> و کوره راهها را برای پاهایتان راست کنید<sup>۰</sup> تا آنکه لنگ است منحرف نشود بلکه ترجیحاً شفا یابد.

### وفاداری به دعوت مسیحی

<sup>۴</sup> صلح با همگان و تقدس را جستجو مز: ۳۴:۱۵؛ روم: ۱۲:۱۸؛  
نمایید، که بدون آن کسی خداوند را نخواهد دید.<sup>۵</sup> مراقب باشید مبادا کسی از فض خدا محروم نگردد، ریشهٔ تلغی<sup>p</sup> که جوانه می‌زند موجب آزار نشده جمعیتی<sup>۶</sup> تث: ۲۹:۱۷؛  
را آلوده نسازد؛<sup>۷</sup>  
<sup>۶</sup> کسی بی عفت نباشد، گفر نگوید همچنانکه عیسو فقط به خاطر یک غذا پید: ۲۵:۳۳؛  
[حق] نخست‌زادگی خود را فروخت.<sup>۸</sup>  
<sup>۷</sup> زیرا می‌دانید که بعداً وقتی خواست پید: ۲۷:۳۰-۴۰؛  
وارث برکت شود، مردود گردید<sup>۹</sup>: زیرا فرصت توبه کردن نیافت با اینکه با اشکها آن را جستجو کرده بود.<sup>۱۰</sup>  
<sup>۱۰</sup> زیرا به [حقیقتی] ملموس خروج: ۱۹:۱۶، ۱۶:۱۸؛  
نرسیده‌اید<sup>۱۱</sup>: و به آتش افروخته و به تث: ۱۲:۲۳؛

شما دچار زحمت نبوده و در نفس خود ۳۲:۳۶-۳۲:۱۰ دلسرد نباشید.<sup>۴</sup> شما هنوز تا [به پای]<sup>۱</sup> خون<sup>۱</sup> علیه گناه مقاومت نکرده‌اید،<sup>۵</sup> و نصیحتی را فراموش کرده‌اید که با شما مانند پسران خطاب می‌کند:  
ای پسرم، تأدیب<sup>m</sup> خداوند را دست کم مگیر،  
و چون بوسیلهٔ او سرزنش یابی دلسرد مشو؛<sup>۶</sup> زیرا کسی را که خداوند [به او] محبت دارد، تأدیب می‌نماید؛

هر پسری را که می‌پذیرد تازیانه می‌زند!<sup>n</sup>

<sup>۷</sup> اگر شما متتحمل تأدیب شوید؛ خدا همچون نسبت به پسران با شما رفتار می‌کند. زیرا کدام پسری است که پدر تأدیب ننماید؟<sup>۸</sup> اما اگر شما بدون این تأدیب هستید که همه از آن سهم دارند، پس شما حرامزاده‌اید و پسران نیستید.  
<sup>۹</sup> وانگهی حقیقتاً برای تأدیب خود پدران جسمانی داشته و به ایشان احترام می‌گذاشتیم؛ به دلیل بالاتر نبایستی از پدر ارواح فرمانبرداری کنیم، تا زندگی داشته باشیم؟<sup>۱۰</sup> زیرا فی الواقع ایشان ما را برای چند روزی تأدیب می‌کردند، چنانکه به نظرشان مناسب بود؛ در صورتی که [تأدب خدا] به خاطر سود ما است تا در

۱- اشاره به امکان شهید شدن است.

m- در بندهای ۵ الی ۸ تأدیب کردن گواه بر پیوند پدر فرزندی است. این آزمون ضروری است.

n- این قسمت را با ۸:۵ مقایسه کنید. عبارت: ای پسرم... نقل قول از امث ۱۱:۳-۱۲:۳ است.

o- این اصطلاح‌ها که از اش ۳:۳۵ و امث ۴:۲۶ گرفته شده است مجدداً تصویر مسابقه دو را مطرح می‌کند (ر. ک بند ۱) و آخرین قسمت این نامه را اعلام می‌نماید.

p- این عبارت که از ترجمهٔ یونانی تث ۱۷:۲۹ گرفته شده است هشداری است که ۸:۶ و ۱۰:۲۶-۳۱ را به یاد می‌آورد.

q- عیسو نمونهٔ کسی است که خودش خود را مردود ساخته است. ر. ک ۶:۶.

r- نویسنده با یادآوری الهام و مکاشفه کوه سینا، یادآوری و تأکید می‌کند که وقایع و پدیده‌هایی که در فصل ۱۹ سِفر خروج گزارش شده است سرشت زمینی داشته و منظمهٔ وحشتناکی بوجود می‌آوردند.

<sup>۲۵</sup> زنهار! از آنکه سخن می‌گوید رو  
مگردانید. زیرا آنانکه هشدار دهنده‌الهی  
<sup>۳:۲ ۲۸:۱۰</sup>  
<sup>۲۹-۲۸:۱۰</sup> را بر روی زمین رد می‌کردند از [مجازات]  
فرار نکردن‌دعا، پس به دلیل بالاتر اگر  
[سخنگوی] آسمانها را برگردانیم.

<sup>۲۶</sup> آن که صدایش زمین را به جنبش  
درآورد، پس اما اکنون این وعده را داده  
است، می‌گوید: باز هم، یک بار نه تنها  
زمین بلکه آسمان را نیز من به لرزه  
درخواهم آورد.<sup>۲۷</sup> و این [كلمات]:  
«باز هم یک بار» نشان می‌دهند  
چیزهایی که به جنبش درمی‌آیند تغییر  
خواهند یافت، زیرا آفریده شده‌اند تا  
آنها یکی که تزلزل ناپذیرند باقی بمانند. <sup>۱۱-۹:۹۶</sup>  
<sup>۲۸</sup> بدین سبب، چون ما ملکوتی  
تزلزل ناپذیر دریافت می‌کنیم<sup>a</sup>، شکر را <sup>۱۸:۷</sup>  
بجا آوریم بوسیلهٔ پرستشی که پسند خدا  
باشد، با ترس و تقوی؛<sup>۲۹</sup> زیرا خدای ما، <sup>۲۴:۴</sup>  
آتشی نابود کننده است.<sup>b</sup>

تاریکی و به ظلمات و به طوفان،<sup>۱۹</sup> و  
صدای شیپور و فرباد سخنان چنانکه  
شنوندگان درخواست کردند که دیگر به آن  
سخنی افزوده نشود;<sup>۲۰</sup> زیرا این فرمان را  
تحمل نمی‌کردند:

[هرکس] حتی اگر حیوانی به کوه دست  
بزند سنگسار خواهد شد.<sup>۲۱</sup>

<sup>۲۱</sup> و این منظره به قدری ترسناک بود که  
موسی گفت:

<sup>۱۴:۱۳</sup>  
<sup>۲۶:۴</sup>  
<sup>۲:۲۱</sup> شدیداً به ترس افتاده ام و لزان شده‌ام!  
<sup>۲۲</sup> اما شما، به کوه صهیون، و شهر خدای  
زنده، اورشلیم آسمانی، به هزاران فرشته،  
به مجلس جشن نزدیک شده‌اید<sup>۲۳</sup>، و به  
کلیسا و مجمع نخست زادگان که در آسمان  
ثبت شده است<sup>۷</sup>، و خدا که داور همگان  
است، و به ارواح عادلانی که به کمال  
رسیده‌اند،<sup>۲۴</sup> و به میانجی پیمانی نو<sup>w</sup>، به  
یسوع و خون افشارنده‌ای که بهتر از آن  
<sup>۱۵:۹ ۲۲:۷</sup>  
<sup>۴:۱۱</sup> هایل سخن می‌گوید.<sup>x</sup>

۸- نقل قول آزاد از خروج ۱۳-۱۲:۱۹

۹- ت-۱۹:۹

۱۰- در مورد مسیحیان بر عکس، همه چیز آسمانی و روحانی است. ر. ک افس ۶:۲

۱۱- آیا منظور طبقه‌ای از فرشتگان است یا اینکه خود مسیحیان هستند؟ ر. ک اعد ۳:۱۲-۱۳:۱۳-۱۲:۳ بیع ۱ ک ۱۸:۱۰: لو ۲۰:۱۰.

۱۲- در زبان یونانی دو کلمه برای بیان تازگی وجود دارد. یک کلمه برای بیان صیانت و جوانی انسان است. عهدی را که مسیح بیان گزاري کرده است در کلمه دیگر، که در اینجا بکار برده شده برای بیان صیانت و جوانی انسان است. عین حال که عهدی نواست (۱۵:۹-۸:۸)، درخششته از جوانی است (۲۴:۱۲).

۱۳- این متن را می‌توان با ۱۰:۲۰ مقایسه کرد و تلقین می‌کند که خون پیمان نو با اقتدار بیشتری از خون هایل سخن می‌گوید (ر. ک پید ۱۰:۴)؛ و کسی که این خون را بی حرمت کند مسئولیت خیلی مهمتری دارد.

۱۴- پیمان کهن نوعی طرز رفتار در زندگی مقرر می‌کرد که فقط طرح ساده‌ای از رفتار مسیحی بود.

۱۵- ر. ک حجی ۶:۲

۱۶- نویسنده برای اینکه بگوید محتوای میراث و عده‌ها چیست اصطلاح دریافت ملکوت را بکار می‌برد که از دان ۱۸:۷ گرفته شده است: و مقدسان، عالم علیین را دریافت می‌کنند و آن را به روزگاران و روزگاران مالک خواهند بود. همچنین ر. ک عبر ۸:۱ که در آنجا گفته شده پسر، ملکوت را تملک می‌نماید.

۱۷- ترجمه تحت اللفظی: آتش بلعنده. آتش که تصویری از خدا است به عنوان نشانه و مظهر قدوسیت زنده و پاک کننده ارائه می‌شود. ر. ک خروج ۲۴:۱۷:۲۴ ت-۲۴:۴

## جمعیت حقیقی

**۱۳**

هرگز تورا ترک نخواهم کرد<sup>f</sup>:  
 ۶ به طوری که به جرأت ما می گوییم:  
 خداوند یاور من است;  
 ترسی نخواهم داشت.  
 انسان به من چه می تواند بکند<sup>g</sup>?  
 ۷ رهبران خود را به یاد آورید<sup>h</sup>، آنان که  
 کلام خدا را به شما اعلام کرده‌اند، و  
 رفتارشان را ملاحظه کرده<sup>i</sup>، از ایمان  
 [ایشان] تقلید نمایید.<sup>j</sup> یسوع مسیح<sup>l</sup>: ۱۲:۱  
 دیروز و امروز و به روزگاران، همان است.  
 ۹ به آموزش های گوناگون و بیگانه کشیده  
 نشود؛ زیرا خوب است که قلب بوسیله  
 فیض استحکام یابد، نه به وسیله غذاهایی - قرن<sup>۸:۸</sup>-۱  
 که سلوک کنندگان آنها بهره‌ای ۱۰:۹:۱۸:۷  
 نبرده‌اند.<sup>k</sup> ۱۰ ما قربانگاهی داریم<sup>۱</sup> و کسانی

<sup>۱</sup> محبت برادرانه<sup>c</sup> باقی بماند.  
<sup>۲</sup> مهمان نوازی<sup>d</sup> را فراموش نکنید.  
 پیدا: ۲:۱۸  
 ۲:۱۹ فرشتگانی را پذیرا شده‌اند.<sup>۳</sup> از زندانیان<sup>e</sup>  
 ۳:۳۴:۱۰ به یاد آورید چنانکه گویی [خودتان] با  
 ۳:۳۶:۱۱ آنان زندانی هستید، از آنانکه بدرفتاری  
 می بینند، مانند شما که خودتان جسمی  
 افسد<sup>۵:۵</sup>: دارید<sup>ee</sup>.<sup>۴</sup> بوسیله همگی به ازدواج حرمت  
 ۱۹-۲۳:۶ گذاشته شود و بستر [ازدواج] بی‌آلدگی  
 باشد، چونکه خدا بی‌عفتن و زناکاران را  
 ۱-تیمو<sup>۶:۶</sup> داوری خواهد کرد.<sup>۵</sup> با رفتاری بدون  
 پول دوستی، به آنچه دارید راضی باشد  
 زیرا خودش گفته است:  
 هرگز تورا رها نخواهم کرد،

۵ در اینجا منظور از محبت برادرانه، محبت بین مسیحیان است که برادر نامیده می‌شوند. پولس این نکته را در ۱-تسا<sup>۹:۴</sup> و  
 در روم<sup>۱۰:۱۲</sup> ذکر می‌کند (ر. ک ۱-پطر ۲:۲۲-۱:۷-۲-پطر ۱:۳-یو:۱۰-۳). (۱۸:۱-۱۰).

۶ در تمثیل‌هایی که لوقا روایت کرده، برای مهمان نوازی اهمیت قایل می‌شود (تمثیل سامری نیکو<sup>۱۰:۱۴</sup>: کسی که تقاضای  
 دوست را می‌پذیرد<sup>۱:۱۱</sup>: مهمانان<sup>۱۲:۱۴</sup>)، ضمناً در تمثیل داوری سخن از مهمانی و پذیرفتن خود یسوع است (مت  
 ۴۳-۳۵:۲۵). ظاهراً در این نامه بیشتر از اشاره به پیدا<sup>۱۹-۱۸</sup> اشاره به طوبی<sup>۷-۵</sup> است. لازم به یادآوری است در  
 دورانهای کهن بدون مهمان نوازی، مسافرت مدام امکان نداشته است.

۷ این سؤال پیش می‌آید که آیا مسیحیانی در زندان بوده‌اند؟ زیرا حکای این متن چنین القاء می‌کند.  
 ۸ در این بند منظور از کلمه بدرفتاری اعمالی نظیر زدن و آسیب وارد کردن بر جسم است و بدین سبب می‌گوید: شما هم  
 جسمی دارید.

۹- این متن مطالب ث<sup>۶:۳۱</sup> را به یاد می‌آورد. ولی نه در متن عبری کتاب مقدس و نه در ترجمه یونانی آن به این صورت نیست.  
 باری فیلون این عبارت را عیناً با همین کلمات نقل نموده است لذا چنین استنباط می‌شود که قبل<sup>۱۰</sup> ترجمه یونانی در اسکندریه  
 انتشار داشته است.

۱۰- این مطلب ث<sup>۶:۳۱</sup> را به یاد می‌آورد. ولی نه در متن عبری کتاب مقدس و نه در ترجمه یونانی آن به این صورت نیست.  
 باری فیلون این عبارت را عیناً با همین کلمات نقل نموده است لذا چنین استنباط می‌شود که قبل<sup>۱۰</sup> ترجمه یونانی در اسکندریه  
 انتشار داشته است.

۱۱- کلمه رهبران در نوشته‌های عهد جدید به ندرت بکار برده شده است. بعدها این کلمه در کلیسا<sup>۱۱:۶</sup> یونان به رهبران صومعه‌ها  
 اطلاق خواهد شد.

۱۲- ترجمه دیگر: ملاحظه کنید چگونه زندگی ایشان به پایان رسیده است. این عبارت ممکن است یادآوری شهید شدن آنان باشد.  
 ر. ک عبر<sup>۱۰:۳۲-۳۳</sup>.

۱۳- این عبارت که بیان ایمان است طبعاً پس از بند ۷: از ایمان ایشان تقلید نمایید، آمده است.  
 ۱۴- می‌دانیم که در بعضی از محافل برای رعایت مقررات تغذیه اهمیت زیادی قایل بودند (ر. ک روم<sup>۱:۲-۲:۲۱</sup>: کول<sup>۲:۱۶</sup>،  
 ۲:۲۱-تیمو<sup>۴:۳</sup>). در بیمان کهن، در این مورد دستورات دقیقی داده شده است (لاو<sup>۱۱</sup>): و در مورد معنی دقیق این  
 دستورها غور می‌کردنند.

۱۵- کسانی که آیین پرستش لاویان را انجام می‌دهند به قربانگاه مسیحیان دسترسی ندارند. آیا در این بند اشاره به آیین  
 سپاسگزاری است؟ و یا بیشتر موضوع قربانی بر روی صلیب مطرح است (۱۲:۱۳-۱۱:۱۲)؟

فیل ۲۲

نیایش کنید زیرا مقاعديم. البته وجданی خوب داريم، و می خواهيم در هر مورد خوب رفتار کنیم.<sup>۱۹</sup> ولی مصرانه خواهش می کنم اين [نیایش] کنید تازودتر به شما باز آورده شوم.<sup>۹</sup>

که در خیمه خدمت می کنند اختیار ندارند  
۵،۴:۸ از آن [قربانی ها] چیزی بخورند.<sup>۱۱</sup> زیرا جسام حیواناتی که کاهن اعظم خونشان را برای [بخشایش] گناهان به قدس می برد،  
در بیرون از اردوگاه سوخته می شود.  
۱۲ بدین سبب یسوع هم، برای اینکه مردم را یو۰:۱۷، یو۱:۱۹ با خون خود تقدیس نماید، بیرون از دروازه  
یو۰:۲۰ رنج کشید.<sup>m</sup>

۱۳ پس شرمساری او را بر خود گرفته، از اردوگاه به سوی او بیرون رویم;<sup>۱۳</sup> زیرا در ۱۰:۱۱ اینجا شهر ثابتی نداریم، بلکه [شهر] آینده ۲۲:۱۲ را جستجو می کنیم.<sup>۱۵</sup> بوسیله او، همواره یک قربانی ستایش<sup>n</sup> به خدا تقدیم کنیم، یعنی شمرة لب ها<sup>۱۶</sup> که نام او را اقرار فرایم.<sup>۱۷</sup> خبرات و تعاون مشترک را فراموش نکنید، زیرا خدا از چنین ۱-تسا:۵:۱۲ قربانی ها خشنود است.<sup>۱۷</sup> از رهبران خود اطاعت کنید<sup>p</sup> و از ایشان تمکین نمایید؛ زیرا به خاطر جان های شما بیدارند، چنانکه باید حساب پس بدھند: تا این را با شادی و نه با ناله انجام دهند زیرا که برای شما بهره ای نخواهد داشت.<sup>۱۸</sup> برای ما

- به لاو ۲۷:۱۶ مراجعه نمایید و توضیحاتی که قبلًا در عبار ۷:۹ داده شده است.

m- مز ۲۳، ۱۴:۵۰

n- ر. ک ۳:۱۴

p- در بندهای ۱۷ و ۱۸ موضوعی که در ۱۳:۷ آمده است مطرح می شود (طرز رفتار نسبت به رهبران و دعوت بر اینکه درباره آنان تأمل و تعمق کنند).

q- فعلی که در اینجا آمده به صورت اول شخص مفرد است و بهتر از بند ۱۳:۱۸ با مطالب ۲۵-۲۲:۱۳ تطبیق می نماید. ضمناً بدان معنی نیست که نویسنده نامه در زندان است بلکه اوضاع و شرایط مخصوصی مانع از آمدن او بوده است. نویسنده نامه را با عباراتی رسمی به بیان می رساند که آمیخته ای از سخنان نیایشی، آرزو و ستایش خدا است. عبارت: شیان گوسفندان را از میان مردگان برخیزاند از اش ۱۱:۶۳ الهام گرفته شده است. کلمه صلح اشاره به عبار ۱۴:۱۲ است: آنچه به نظر او خواهیشد است به ۲۸:۱۲ و ۱۶:۱۳؛ انجام دادن اراده او عبارتی متداول است و به ۱۰:۹، ۳۶ برمی گردد، در صورتی که خون پیمان قیلاً در ۲۹:۱۰ ذکر گردیده است (ر. ک ۱۲:۲۴-۱۳:۲۴).

s- ترجمه دیگر: این موضعه را تحمل کنید (ر. ک اع ۱۳:۱۵). بندهای ۲۵-۲۲ لحنی غیر از مطالب قلی دارند. چنین به نظر می رسد که این قسمت پس از پایان یافتن نامه، افزوده شده است و به صورت یک یادداشت کوچک است که احتمالاً بدست پولس نوشته شده است. بدین سان روایتی را که نامه منسوب به پولس است تأیید می نماید. (ر. ک مقدمه).

تیموتاوس<sup>t</sup> آزاد شده است. اگر به زودی  
بیاید، با او شما را خواهم دید.<sup>۲۴</sup> به  
تمام رهبران خود و تمام مقدسان سلام  
فیض بر همه شما باد!<sup>۷</sup>

کنید. آنانکه از ایتالیا هستند<sup>۸</sup> به شما  
سلام می کنند.<sup>۲۵</sup>  
کول:۴  
تیط:۳

t- در نوشته های عهد جدید فقط از یک نفر بنام تیموتاوس یاد شده که شاگرد پولس و همسفر او بوده است. در این بند نام هیچ یک از مخاطبان نامه ذکر نگردیده و ممکن است بدین سبب است که در دوران تعقیب و شکنجه مسیحیان نوشته شده است. ر.ک ۳۲:۱۰-۳۴:۱۰.

۸- اصطلاح: آنانکه از ایتالیا هستند، الزاماً کسانی نیستند که ساکن ایتالیا باشند بلکه ممکن است کسانی از اهالی ایتالیا باشند که در یکی از ایالت های تابع امپراتوری روم استقرار داشته اند.

V- نامه های پولس معمولاً با آرزوی فیض برای خوانندگان پایان می یابند. ر.ک کول ۱۸:۴. در برخی نسخه ها، در انتهای آیه، «آمين» آمده است.